

تأثیر مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی از دیدگاه مدیران ارشد، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶

■ ابوالفضل باباجانی^۱

■ جمال بحری ثالث^۲

■ سعید جبارزاده کنگرلوئی^۳

■ عسگر پاکمرام^۴

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی از دیدگاه مدیران ارشد، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل می‌باشد. نوع پژوهش کیفی و در گروه پژوهش‌های پیمایشی، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر همبستگی است که به صورت کاربردی با استفاده از فن تجزیه و تحلیل مسیر مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری شامل اعضای مثلث حاکمیتی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران بوده که در نهایت ۱۴۶ مثلث حاکمیت شرکتی به عنوان نمونه مورد آزمون قرار گرفتند و با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه استاندارد تعدیل شده اقدام به جمع‌آوری داده‌ها گردید. نتایج نشان داد که از نظر مدیران ارشد، اعضای کمیته حسابرسی، حسابرسان مستقل و مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد و نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی نقش تعدیل‌گری مثبت ایفا می‌نماید. اما از نظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر نظریه‌های مذکور بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی نسبت به نظرات کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل قوی‌تر می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، کیفیت گزارشگری مالی، نظریه نمایندگی، نظریه وابستگی منابع، مثلث حاکمیت شرکتی

۱. دانشجوی دکترای حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. استادیار حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل

J.bahri@iaurmia.ac.ir

۳. دانشیار حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۴. دانشیار حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، یک سری از ورشکستگی‌های مهم شرکت‌ها صورت گرفته است که موجب بروز نگرانی‌هایی در خصوص بروز خطاهای جدی در فرایند مدیریت ریسک در بسیاری از شرکت‌ها نظیر لیمن برادرز، جنرال موتورز و لینن-ان-تینگس^۱ شده است. در پاسخ به این مسئله، توجه زیادی به توسعه چارچوب‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی^۲ و تقویت شیوه‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی شرکت شده است. رایج‌ترین چارچوب مدیریت ریسک بنگاه (بیزلی، برانسون و هانکوک^۳، ۲۰۱۴) توسط کوزو^۴ (۲۰۰۴) توسعه یافته است که مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی را به صورت زیر تعریف کرده است:

مدیریت ریسک سازمانی یک فرایند است که توسط هیات مدیره شرکت، مدیریت و سایر افراد انجام می‌شود و در تدوین راهبرد و در سراسر شرکت برای شناسایی رویدادهای احتمالی که ممکن است بر شرکت اثر بگذارد بکار برده می‌شود و ریسک را در محدوده ریسک قابل پذیرش مدیریت می‌کند تا اطمینانی معقول بدست آورد که شرکت را به هدفش می‌رساند.

هدف و تاکید اصلی اعضا کمیته حسابرسی در خصوص مدیریت ریسک بنگاه در نظر گرفتن هر دو نظریه نمایندگی و وابستگی منابع است. مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی در این خصوص نظارت است تا مالکیت ریسک، با توجه به این مسئولیت‌ها و تاکید در نظارت، احتمال دارد که اعضای کمیته حسابرسی تاکید زیادی بر روی نظریه نمایندگی نسبت به نظریه وابستگی داشته باشد (ویسلی، ۲۰۱۳). گزارش‌های مالی و برنامه‌ریزی حسابرسی بایستی منعکس کننده ریسک‌های نظریه نمایندگی (پایش) و نیز ریسک‌های نظریه وابستگی منابع (راهبردی) شرکت باشد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷). تئوری نمایندگی مبنای علمی جهت به کارگیری فن‌های مهم حسابداری مدیریت از قبیل ارزیابی عملیات مدیران، اعطای پاداش، بودجه‌بندی و تضاد منافع و مشارکت در ریسک را فراهم کرده است. افزون بر آن، علت به کارگیری راهکارهای مهمی چون حسابرسی و سیستم‌های کنترل را در سازمان فراهم نموده است. با این وجود، این نظریه، یکی از مؤثرترین شیوه‌های کنترل عملیات درون سازمانی را پیروی از اصول اخلاقی و اعتماد به نماینده جهت افشای اطلاعات داوطلبانه توسط وی می‌داند (نمازی، ۱۳۸۴). یکی از سازوکارهایی که بازار در رابطه با نظریه نمایندگی از آن استفاده می‌کند، ارزیابی کیفیت کنترل داخلی واحدهای تجاری است. در ادبیات پژوهش از کنترل داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افشای به موقع اطلاعات، تسهیل فرآیند حسابرسی داخلی و مستقل و... یاد می‌شود (توانگر حمزه کلاسی و اسکافی اصل، ۱۳۹۷). از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که بر اساس معیارهای کیفی؛ مدیریت ریسک بنگاه چه تاثیری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع چه تاثیری بر تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت

1. Lehman Brothers, General Motors, Linen-N-Things

2. Enterprise Risk Management (ERP)

3. Beasley, Branson, and Hancock

4. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO)

گزارشگری مالی دارد؟

۲. بیان مسئله و اهمیت موضوع

رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی مهم است زیرا ضروری است که گزارش‌های مالی به طور مناسب وضعیت مالی شرکت را با ریسک‌های تعیین شده توسط مدیریت ریسک بنگاه شفاف‌سازی کنند. وقتی که سیستم مدیریت ریسک بنگاه ناکارآمد است، ریسک‌های معنی‌دار و قابل توجه مؤثر بر گزارش‌های مالی را نمی‌توان شناسایی، ارزیابی و یا افشا کرد. برای مثال، ریسک‌ها را نمی‌توان به طور مناسب در توسعه برآوردهای حسابداری و افشاها در نظر گرفت. هم چنین، مدیریت ریسک بنگاه بر پایش و کنترل ریسک‌ها اثر دارد که به نوبه خود بر کنترل داخلی، طراحی برنامه و ارزیابی ریسک حسابرسی اثر دارد (بل و همکاران^۱، ۲۰۰۵). مدیریت ریسک مفهومی طراحی شده برای استفاده به وسیله سازمان به منظور مدیریت و کنترل ریسک است به این ترتیب، مالکیت چارچوب مدیریت ریسک بنگاه باید برعهده افرادی از سازمان باشد که ریسک را مدیریت می‌کنند و بر اثربخشی کنترل‌ها نظارت دارند (اسدی و اصغری، ۱۳۹۲). کوهن و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که به نظر تمام افراد سه گانه حاکمیتی، ارتباط قوی میان مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی وجود دارد و ضمناً اعضای سه گانه حاکمیتی بر اهمیت ارزیابی یا شناسایی ریسک و کارایی و اثربخشی عملیاتی تأکید داشته‌اند. فخاری و رضائی پیتة نوئی (۱۳۹۶) وجود اعضاء متخصص کمیته حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی را بالا می‌برد و بیان کرده‌اند که به دنبال آن مطابق با نظریه نمایندگی، کیفیت گزارشگری مالی بیشتر می‌شود. عبدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که بین ویژگی‌های استقلال، تخصص، اندازه و تنوع جنسیتی اعضای کمیته حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها در راستای نظریه نمایندگی و اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و نقش آنها در بهبود محیط اطلاعاتی و گزارشگری مالی است. اگرچه تحقیقات قبلی به بررسی عملیات و شیوه‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی پرداخته‌اند (بیزلی، برانسون و هانکوک، ۲۰۱۴)، ولی بر اساس مرور منابع انجام شده هیچ مطالعه‌ای وجود ندارد که به بررسی رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته باشد که در برگرنده گزارشگری مدیریت، کنترل داخلی و حسابرسی است. اما پژوهش حاضر با طرح ارتباط موضوع مدیریت ریسک بنگاه از چارچوب کوزو با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها علاوه بر توسعه بخشی به ادبیات نظری بحث مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی با وارد کردن نقش نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع در ارتباط مذکور و نقش اعضای کلیدی حاکمیت شرکتی، با به کارگیری رویکرد مدل معادلات ساختاری در بررسی جوانب مختلف روابط احتمالی بین مولفه‌های مذکور نخستین پژوهش در این حوزه محسوب می‌گردد. به علاوه، تأکید بر درک مدیریت ریسک بنگاه از دیدگاه راهبردی موجب تقویت گزارشگری مالی با امکان دادن

1. Bell et al

به مدیریت، کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل (از این به بعد مثلث حاکمیت شرکتی نامیده می‌شود) برای ارزیابی مؤثر اهمیت ارزیابی‌ها و برآوردها نظیر از کارافتادگی دارایی می‌شود. به علاوه، دانش محدودی در خصوص رابطه هم‌افزایی میان اعضای مثلث حاکمیت وجود دارد. همچنین، دانش محدودی در خصوص شیوه تعامل مثلث حاکمیت در میان خود و دیگران برای توسعه شیوه‌های مدیریت ریسک بنگاه وجود دارد که بر کیفیت فرایند گزارشگری مالی اثر دارد. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و حسابرسی در خصوص شیوه تأثیرگذاری مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی بر اساس تجارب ابعاد کلیدی حاکمیتی (مدیریت، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل) مفید باشد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. کیفیت گزارشگری مالی

با روند افزایشی مربوط به گزارشگری یکپارچه، که در برگیرنده افشای مالی و غیرمالی است، انگیزه زیادی برای گزارشگری و افشا مدیریت ریسک بنگاه در آینده وجود دارد (آدامز و همکاران، ۲۰۱۱). هدف اصلی گزارشگری مالی فراهم نمودن اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، مدیران، کارکنان، دولت، اعتباردهندگان و سایرین جهت اتخاذ تصمیمات منطقی در رابطه با عملیات شرکت است (دارابی و کریمی، ۱۳۸۹). یک فرایند گزارشگری مالی قوی شامل تلاش تهیه‌کننده‌های گزارش و گروه‌های پایش نظیر کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل [برای ارائه گزارش‌های مالی دقیق، شفاف و افشای مربوطه است (باکستر و همکاران، ۲۰۱۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت گزارشگری مالی و ارتقاء افشاء را می‌توان به عنوان ابزار آگاهی بخشی تلقی کرد (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۴). کنترل‌های داخلی کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد (حساس‌یگانه و نتاج‌ملک‌شاه، ۱۳۸۵). برای کنترل‌های داخلی الگوهای متنوعی، طراحی و معرفی شده‌اند. یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها از نقطه نظر جامعیت، اثربخشی و گستره کاربرد، الگوی مطرح شده از سوی کمیته سازمان‌های مسئول کمیسیون تردوی تحت عنوان کوزو در سال ۲۰۰۴ است. کمیته مزبور کنترل داخلی را فرآیندی دانسته است که توسط هیأت مدیره، مدیریت و دیگر کارکنان موسسه اجرا می‌شود و هدف از ایجاد آن، کسب اطمینانی منطقی و معقول از دستیابی به اهداف اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد به گزارشگری مالی و پایبندی به قوانین و مقررات است (کوزو، ۲۰۰۴). کنترل‌های داخلی اثربخش می‌توانند صحت برآوردها را براساس تاریخچه عملیاتی و سیاست‌های شرکت تضمین نمایند (نادری و حاجیه‌ها، ۱۳۹۷). کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های در موقعیت کم سرمایه‌گذاری، سبب افزایش تمایل آن‌ها به سرمایه‌گذاری و در نتیجه بهبود کارایی سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها می‌شود (الهائی‌سحر و اسکندر، ۱۳۹۶). کنترل‌های داخلی می‌تواند اولاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد و ثانیاً تقارن اطلاعات را افزایش دهد و ثالثاً باعث کاهش تضاد منافع و نظارت

بیشتر بر مدیریت گردد (رضوی عراقی و همکاران، ۱۳۹۷). با وجود تدوین سازوکارهای نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکتها، به نظر می‌رسد کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در شفافیت گزارشگری مالی شرکتها می‌شود (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۷) در ادبیات پژوهش از کنترل داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افشای به موقع اطلاعات، تسهیل فرآیند حسابرسی داخلی و مستقل و... یاد می‌شود (توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل، ۱۳۹۷). از زمان تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری، تحقیق‌های متعددی درباره کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده از طریق سیستم حسابداری انجام شده است (زنگ‌زن مقدم و لشگری، ۱۳۹۷).

۳-۲- مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی

چارچوب مدیریت ریسک واحد اقتصادی چارچوب مفهومی و ابزار مستحکم‌تری برای مدیریت به وجود می‌آورد (کثیری، ۱۳۸۴). یکی از مزیت‌های مدیریت ریسک بنگاه نسبت به فعالیت‌های مدیریت ریسک سنتی این است که مدیریت ریسک بنگاه مربوط به کل ریسک‌های شرکت است تا ارزیابی ریسک‌های درون یک بخش خاص. از این روی، مدیریت ریسک بنگاه یک رویکرد جامع‌تر برای مدیریت ریسک در مقایسه با رویکرد جزیره‌ای^۱ اتخاذ می‌کند (مایکس، ۲۰۱۱). "مدیریت ریسک بنگاه-چارچوب یکپارچه"^۲ در سپتامبر ۲۰۰۴ توسط کمیته‌ی سازمان‌های پشتیبان مالی کمیسیون تردوی (کوزو) منتشر شد (قنبریان، ۱۳۹۳) و در سال ۲۰۱۳، این کمیته نسخه به‌روز شده‌ای از چارچوب کنترل‌های داخلی را با عنوان "چارچوب یکپارچه" منتشر کرد (مشایخی و مهرانی، ۱۳۹۵). مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی به دنبال جمع‌ی یا یکپارچه‌سازی انواع ریسک‌ها با به‌کارگیری تکنیک‌ها و ابزارهای یکپارچه، به منظور کاهش ریسک‌ها و برقراری ارتباط در سراسر سطوح یا خطوط کسب‌وکار با مدیریت ریسک سنتی است (نوبلیت و هاری، ۱۹۸۸). دیکنسون (۲۰۰۱) بیان کرده است که در سال‌های اخیر و با پیشرفت مطالعات این حوزه مشخص شده است که ریسک‌های پیشروی سازمان تنها ریسک‌های مالی نیست، بلکه سازمان‌ها با گستره‌ای از ریسک‌ها از قبیل ریسک‌های استراتژیک، فرایندی، کسب‌وکار، قانونی، فرهنگی، مالی و... روبه‌رو هستند.

چارچوب مدیریت ریسک واحد اقتصادی، دستیابی به اهداف مختلف را در واحد هماهنگ می‌سازد. اهداف مدیریت ریسک واحد اقتصادی که از اهداف مدیریت ریسک واحد اقتصادی کوزو (۲۰۰۴) سرچشمه می‌گیرد معمولاً در چهار گروه زیر طبقه بندی می‌شوند:

اهداف استراتژیک: به اهداف بلند مدت سطح بالا، هم راستا و حمایت کننده از رسالت سازمان اطلاق می‌شود

1. "silo" approach

2. Enterprise Risk Management-Integrated Framework

اهداف عملیاتی: به استفاده اثر بخش و کارا از منابع گفته می‌شود

اهداف گزارشگری: به قابلیت اتکای گزارشگری اطلاق می‌شود

اهداف رعایتی: به رعایت قوانین و مقررات گفته می‌شود از آنجا که اهداف مرتبط با قابلیت

اتکای گزارشگری و رعایت قوانین و مقررات در درون کنترل‌های واحد نهفته است.

از مدیریت ریسک واحد اقتصادی انتظار می‌رود اطمینانی معقول در دستیابی به اهداف مذکور فراهم کند با این وجود، دستیابی به اهداف استراتژیک و اهداف عملیاتی وابسته به رویدادهای خارجی است که همیشه در کنترل واحد نیستند. متعاقباً، به دنبال این اهداف، مدیریت ریسک واحد اقتصادی نسبت به اینکه مدیریت و هیات مدیره نسبت به ایفای نقش نظارتی خود آگاه و به شکل مداوم به میزانی که واحد اقتصادی به سمت دستیابی به اهداف خود حرکت می‌کند اطمینان معقول فراهم می‌کند. بین اهدافی که واحد در تکاپوی دستیابی به آنها است و اجزای مدیریت ریسک واحد تجاری (محیط داخلی، تنظیم اهداف (هدف گذاری)، شناسایی رویدادها، ارزیابی ریسک، واکنش به ریسک، فعالیتهای کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و پایش یا نظارت) که بیانگر آنچه واحد نیازمند دستیابی به آن است رابطه وجود دارد (کوزو، ۲۰۰۴).

چارچوب کوزو ابزار قدرتمندی به شمار می‌رود که به سازمان امکان می‌دهد بر ساختارهای کلیدی، ارزش‌ها و فرایندهایی تاکید کند که همراه با یکدیگر مفهوم کنترل‌های داخلی را فراتر از کنترل‌های صرف مالی شکل می‌دهند (مشایخی و مهرانی، ۱۳۹۵). مدیریت ریسک [بنگاه] به ریسک‌ها و فرصت‌های تأثیرگذار بر خلق ارزش می‌پردازد (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۴).

۳-۳- مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی

اگرچه حضور مدیریت ریسک بنگاه قوی متضمن یک فرایند گزارشگری مالی با کیفیت بالا نیست، منتقدان این طور استدلال کرده‌اند که مدیریت ریسک بنگاه ضعیف، حاکمیت ضعیف و در برخی از موارد ضعف‌های حسابرسی روی هم رفته منجر به گزارشگری مالی ضعیف می‌شود که موجب می‌شود مشکلات مالی پیش روی شرکت‌های ورشکسته از نظرها پنهان بماند (برای مثال بدهی خارج از ترازنامه) و به این ترتیب، به طور معنی‌داری موجب تشدید بحران مالی می‌شود (باکستر و همکاران، ۲۰۱۳؛ ولکاس، ۲۰۱۰). برای مثال، ارنست و یانگ، که حسابرس سابق لیمن بود، به شدت به دلیل ناتوانی مدیریت لیمن در خصوص برخی از موقعیتهای ریسکی و افشاهای مربوطه مورد انتقاد قرار گرفته است (اکونومیست، ۲۰۱۰). ورشکستگی‌های مالی اخیر به طور اجتناب ناپذیری منجر به مطرح شدن این سؤال است که چرا حسابرسان مستقل همچنان اقدام به ارائه گزارش‌های حسابرسی مقبول در مواردی کرده‌اند که در آن مشتری ریسک‌هایی را که در معرض‌اش بوده‌اند را به طور مناسب در صورت‌های مالی افشا نکرده است. از لحاظ مفهومی، در صورتی که شرکت دارای عملیات مدیریت ریسک بنگاه شفاف باشد، این شرکت بایستی از ریسک‌های مهم کسب‌وکار آگاه بوده و اقداماتی را جهت کنترل و محدود کردن این ریسک‌ها انجام دهد. با توجه به این که این ریسک‌ها بر گزارشگری مالی اثر می‌گذارند این ریسک‌ها بایستی در

برآوردهای صورت‌های مالی، ارزشیابی‌ها و یا افشاها منعکس شوند. به علاوه، حسابرسان بر اساس استانداردهای حسابرسی ملزم به تعیین ماهیت و بزرگی آزمون‌های حسابرسی برای رسیدگی و مقابله با ریسک‌های کسب‌وکار، ذاتی و کنترل‌پذیر (AICPA، 2007؛ IFAC، 2006). در نهایت، حسابرسان در طی حسابرسی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی ملزم به ارزیابی فرایندهای ارزیابی ریسک مشتریان خود می‌باشند (COSO، 2013) و در منشور آمده است که هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، سلامت گزارشگری مالی و اثربخشی حسابرسی مستقل و رعایت قوانین، مقررات و الزامات می‌باشد (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱). بیزلی و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که شیوه‌ها و عملیات مدیریت ریسک بنگاه به طور گسترده‌ای در میان شرکت‌ها متغیر است و نتیجه دیگر این که یک واگرایی در عمل در مورد مسئولیت اصلی مدیریت ریسک بنگاه وجود دارد (مدیر ارشد مالی، هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، کمیته ریسک). حرفه‌ای‌ها و محققان (ویسلی، ۲۰۱۳، بیزلی و همکاران، ۲۰۱۴) خاطر نشان کرده‌اند که کلید گزارشگری مؤثر مالی و مدیریت ریسک بنگاه دستیابی به یک رابطه هم‌افزایی میان اعضای مثلث حاکمیت است.

۳-۴- نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع

با توجه به اهمیت نقش نیروی انسانی در اجرای مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و اثر آن بر کیفیت گزارشگری مالی ضروری است که تاثیر نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع نیز مورد بررسی قرار گیرد. نظریه نمایندگی^۱ و نظریه وابستگی منابع^۲ دو دیدگاه نظری را ارائه کرده است که از طریق آن اعضای اصول راهبری حاکمیتی شرکت شامل سه گروه عمده و موثر مدیریت، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل قادر به مفهوم سازی مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در نقش‌های متفاوت خود می‌باشند. تحت نظریه نمایندگی، مدیران به نفع خود عمل می‌کنند حتی اگر این به ضرر سهام‌داران باشد. از این روی مکانیسم‌های قراردادی مختلف برای همسویی منافع مدیریت با منافع سهام‌داران نظیر استفاده از یک سیستم مدیریت ریسک بنگاه که در آن هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر پایش مدیران مالی و سایر مدیران اجرایی سطح بالا متمرکز هستند تشکیل می‌شوند (شلیفر و ویشنی ۱۹۹۷، فاما و جانسن ۱۹۸۳). با استفاده از این مکانیسم‌ها، از دیدگاه نظری، شرکت قادر به کاهش ریسک‌پذیری اضافی توسط مدیریت است. از این روی مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی می‌تواند مکانیسمی باشد که امکان ایجاد یک دیدگاه رسمی و شفاف را در خصوص ریسک داده و این به نوبه خود موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت و سایر سهام‌داران شرکت می‌شود (لینبرگ و هویت، ۲۰۰۳). بر عکس، تمرکز اصلی نظریه وابستگی منابع، بر جریان و تبادل منابع بین بنگاه‌ها و تأمین‌کنندگان

1. Agency theory (AG)

2. resource dependence (RD)

منابع آن‌ها است. حامیان نظریه وابستگی منابع معتقدند که بنگاه‌ها به سازمان‌های محیط خود که منابع مهم مورد نیاز برای عملیات آن‌ها را کنترل می‌کنند و گاهی کنترل ضعیفی بر روی آن دارند واکنش نشان می‌دهند و به آن‌ها وابسته هستند (لاری دشت‌بیاض و همکاران، ۱۳۹۷، به نقل از اولیور، ۱۹۹۷؛ هیلمن و دالزیل، ۲۰۰۳). نظریه وابستگی منابع بیان می‌دارد که حاکمیت بایستی بر کمک به شرکت‌ها در توسعه موفق راهبردهای کسب و کار جهت مقابله با عدم قطعیت محیطی و دسترسی به سرمایه خارجی و شبکه‌های دانش متمرکز باشد (پفر و سالانیک، ۱۹۷۸، بویید ۱۹۹۰) در تئوری وابستگی منابع اعتقاد بر این است که سازمان‌ها از طریق محیط، کنترل می‌شوند ولی مدیران می‌توانند بیاموزند که چگونه در دریاهای موج تحکم محیطی، کشتی سازمان را سکانداری کنند. این تئوری بیشتر بر درک روابط قدرت وابستگی بین سازمان و دیگر بازیگران شبکه تأکید دارد. دیدگاه وابستگی منابع معتقد است که شرکت‌ها باید به طور فعالانه منابع را کنترل کنند تا از این طریق بتوانند به اثربخشی سازمانی دست پیدا کنند (هچ، ۱۹۸۵). از این رو استراتژی بدل می‌شود به راه‌هایی برای کسب منابع اقتصادی و تبدیل آنها به منابع نمادین و بالعکس تا از این طریق سازمان را در برابر عدم قطعیت‌های محیطی حفظ نماید (رجبی، ۱۳۸۷). نظریه وابستگی منابع چندین نقش گروه‌های حاکمیت را در مدیریت ریسک بنگاه پیشنهاد کرده است از جمله شناسایی ریسک‌ها، پاسخ به ریسک‌ها و تنظیم تعادل بین راهبردهای شرکتی، فرصت‌ها و ریسک‌های کسب و کار. در صورتی که دیدگاه نظریه وابستگی منابع پذیرفته شود، آنگاه طرفین و گروه‌های حاکمیت بر تعیین این که فعالیت‌های مربوط به ریسک مدیریت با اهداف راهبردی شرکت همسو است یا خیر، تمرکز می‌کنند که این خود ضامن موفقیت در بازارهای رقابتی است (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷).

تاکید و هدف نسبی هر یک از اعضای مثلث در خصوص دیدگاه‌های نظریه نمایندگی یا وابستگی منابع برای مدیریت ریسک بنگاه ارتباط نزدیکی با دانش و تجربه هر یک از اعضا دارد هم چنین لازم به ذکر است که دیدگاه‌های AG^۱ و RD^۲ دو به دو ناسازگار نیستند زیرا آن‌ها می‌توانند به صورت هم زمان وجود داشته باشند، و در عین حال به صورت کاملاً سازگار نیز نمی‌باشند همچنین کوهن و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که اعضای سه‌گانه حاکمیت بر اهمیت پایش (نظریه نمایندگی) و نیز تدوین استراتژی (نظریه وابستگی منابع) در هنگام تعریف مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی واقف است. با این حال همان طور که انتظار می‌رفت، تفاوت در پاسخ‌ها وجود داشت که منعکس کننده نقش‌های متفاوت و تأکید مختلف اعضای سه‌گانه حاکمیت نسبت به آن مفاهیم است. نکته جالب این است که اگرچه همه اعضای سه‌گانه عناصر راهبردی را در زمان تعریف مدیریت ریسک بنگاه به رسمیت می‌شناسند، حسابرسان معمولاً تأکید نسبتاً کم‌تری بر عوامل مربوط به استراتژی دارند. به طور کلی، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که نظریه وابستگی منابع ممکن است توسط همه گروه‌ها نادیده گرفته شود (کوهن

1. Agency theory (AG)

2. Resource Dependence (RD)

و همکاران، ۲۰۱۷). بدون مسئله نمایندگی، کیفیت گزارشگری هیچ مسئله خاصی نخواهد داشت چون مدیران هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای تحریف گزارشات مالی یا مخفی نگه‌داشتن اطلاعات ندارند. حاکمیت شرکتی یکی از سازوکارهای کاهش مسئله نمایندگی است. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را کاهش و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد (نیکومرام و محمدزاده سالطه، ۱۳۸۹).

۴. پیشینه تجربی پژوهش

با توجه به مرور منابع در دسترس و بررسی‌های انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق حاضر، تحقیق خاصی در این زمینه در ایران صورت نپذیرفته است و ضمناً در زمینه اثر نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع بر رابطه مذکور به دلیل تازگی ماهیت آن، پژوهش‌های محدودی در سایر کشور وجود دارد بنابراین به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق حاضر در خارج و داخل کشور به اختصار اشاره می‌گردد.

۴-۱- پیشینه خارجی:

کوهن و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان مدیریت ریسک تجاری و فرایند گزارشگری مالی نشان دادند که به نظر تمام افراد سه گانه حاکمیتی ارتباط قوی میان مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی وجود دارد و ضمناً اعضای سه‌گانه حاکمیتی بر اهمیت ارزیابی یا شناسایی ریسک و کارائی و اثربخشی عملیاتی تاکید داشته‌اند. بیزلی و همکاران (۲۰۱۴)، به این نتیجه دست یافتند که کلید گزارشگری مؤثر مالی و مدیریت ریسک بنگاه دستیابی به یک رابطه هم‌افزایی میان اعضای مثلث حاکمیت است. مارش و ریمز (۲۰۱۴) بر اساس نظرسنجی‌های جامع در خصوص شیوه‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، لتنر و ایون (۲۰۱۴)، گزارش کرده‌اند که مدیران ارشد اجرایی دارای مسئولیت‌های مالکیت ریسک قابل توجهی هستند که شامل هر دو ریسک‌های راهبردی و عملیاتی می‌باشند. این مطالعه نشان می‌دهد که در ۶۰ درصد سازمان‌های بررسی شده مالکیت ریسک مدیریت ریسک بنگاه بر عهده مدیریت ارشد مالی است در حالی که کمیته حسابرسی دارای مالکیت ریسک در ۲۵ درصد شرکت‌های نظر سنجی شده است. سایر نظر سنجی‌ها نشان داده‌اند که مدیران ارشد مالی تنها مسئول اصلی مدیریت ریسک هستند. کنچل و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که فرایند حسابرسی و کیفیت حسابرسی اثر معنی داری بر روی کیفیت گزارشگری مالی دارد. با روند افزایشی مربوط به گزارشگری یکپارچه، که در برگیرنده افشای مالی و غیر مالی است، انگیزه زیادی برای گزارشگری و افشا در مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در آینده وجود دارد (آدامز و همکاران ۲۰۱۱). مایکس و کاپلان (۲۰۱۲)، به شناسایی برخی شیوه‌های پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه پرداخته و پیشنهاد کرده‌اند که رویکرد مناسبی باید استفاده شود تا امکان بررسی موفقیت نسبی مدیریت ریسک بنگاه را در شرایط خاص شرکتی بدهد. در

نظر گرفتن فرایندهای مدیریت ریسک بنگاه در یک شرکت می‌تواند به طور قابل توجهی اطلاعات مهمی را برای حسابرسان در ارزیابی ریسک‌های ذاتی و کنترل، امکان سنجی مالی و راهبردهای کسب و کار در تعیین قضاوت‌های برنامه‌ریزی حسابرسی و ارزیابی افشاها ارائه کند (کوچوتسکی و مسیر ۲۰۱۱). بیزلی و همکاران (۲۰۱۱)، به این نتیجه رسیدند که شیوه‌ها و عملیات مدیریت ریسک بنگاه به‌طور گسترده‌ای در میان شرکت‌ها متغیر است و یک واگرایی در عمل در مورد مسئولیت اصلی مدیریت ریسک بنگاه وجود دارد. سانگ و ویندرد (۲۰۰۴)، در پژوهشی نشان دادند که استقلال هیات مدیره، دانش مالی مدیران و فعال بودن کمیته حسابرسی، موجب بهبود اثر بخشی کمیته مذکور در زمینه گزارشگری مالی و مالکیت سهام شرکت از سوی اعضای هیات مدیره و تعدد عضویت آنان در هیات مدیره سایر شرکت‌ها، باعث اثربخشی مذکور می‌شود.

۴-۲- پیشینه داخلی:

علوی طبری و پارسایی (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که میان دوره تصدی حسابرس و شفافیت شرکتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، اما برخلاف انتظار میان امتیاز کنترل کیفیت حسابرسی و شفافیت شرکتی ارتباط معناداری وجود ندارد. نتیجه حاصله نشان دهنده اثربخشی بیشتر خدمات حسابرسی مستقل در کاهش پیامدهای نظریه نمایندگی، بهبود کیفیت افشا و نقدینگی سهام در شرکت‌هایی است که حسابرس خود را در دوره زمانی چهار سال تغییر نداده‌اند. نتایج پژوهش موسوی شیر و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که، رابطه معناداری بین چرخش سیستماتیک حسابرسان به سمت جایگاه مدیریتی و نیز چرخش کارمندان واحد حسابرسی داخلی در درون واحد حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد؛ و نظارت کمیته حسابرسی و نیز تخصص مالی حسابرسان داخلی نیز بر این ارتباط بی‌تأثیر است. مهرانی و آخوندی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تفکر سیستمی و کاربردهای آن در مدیریت ریسک واحد تجاری مطابق با کوزو بیان کرده‌اند که در یک سازمان، عبور کردن از سد ریسک‌های پیچیده نیازمند رویکردها و ایده‌های جدیدی است و تفکر سیستمی راه‌کاری برای بهبود و ارتقا فرایند فعلی مدیریت ریسک واحد تجاری است. فخاری، رجب‌دوری و خانی‌ذلان (۱۳۹۷)، در تحقیق خود با استفاده از روش پیمایشی و توزیع پرسشنامه نشان دادند که بین روابط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با مدیران ارشد و اقدامات اعضای کمیته حسابرسی برای ارزیابی ریسک گزارشگری مالی متقلبانه، رابطه منفی و معناداری وجود دارد همچنین، بین روابط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با سایر مدیران و تلاش‌های کمیته حسابرسی برای ارزیابی ریسک گزارشگری مالی متقلبانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نتیجه‌گیری کردند که این یافته‌ها نشان می‌دهد که چگونه سطح روابط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با مدیران می‌تواند بر ارزیابی آنها از ریسک گزارشگری متقلبانه شرکت مؤثر باشد. قادری و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد

مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک، نشان دادند که شیوه‌های مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی متأثر از سوییچ‌های رفتاری و بیش اطمینانی مدیران بوده و اثربخشی خود را از دست خواهد داد، لذا اثر اطمینان بیش از حد مدیران بر مدیریت ریسک پذیرفته می‌شود. رضوی عراقی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری نشان دادند که بین ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی و ناکارایی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. در واقع نتایج پژوهش مبین این است که وجود ضعف‌های عمده در کنترل‌های داخلی منجر به ایجاد ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌گردد و در نهایت ضرورت پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی موثر در سازمان توسط مدیران، بیش از پیش، خود را نمایان می‌سازد. فخاری و رضائی پشته نوئی (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان "تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت" نتیجه‌گیری کردند که وجود اعضاء متخصص کمیته حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی را بالا می‌برد و بیان کرده‌اند که به دنبال آن مطابق با نظریه نمایندگی، کیفیت گزارشگری مالی بیشتر می‌شود. آنان با توجه به نتایج پژوهش بیان کرده‌اند که کمیته حسابرسی دارای اعضاء تخصص مالی می‌تواند به استقرار سیستم‌های گزارشگری کارآمد به منظور ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا با توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان و سطح کیفی و کمی اطلاعات منتشر شده کمک کنند. فیروزعلیزاده و رضایی (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان رابطه رقابت در بازار محصول و مدیریت ریسک یکپارچه مبتنی بر گزارشگری مالی بر تصمیمات مدیریت نشان دادند که بین رقابت با تصمیمات سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین مدیریت ریسک یکپارچه مبتنی بر گزارشگری مالی با تصمیمات سرمایه‌گذاری رابطه معناداری وجود ندارد ضمناً نشان دادند که مدیریت ریسک یکپارچه تأثیر مداخله‌گر معناداری بر رابطه رقابت و تصمیمات مدیریت نداشته است. صراف و همکاران (۱۳۹۴)، بیان کرده‌اند که چارچوب مدیریت ریسک بنگاه و کنترل داخلی، هر دو بر این ادعان دارند که ریسک‌ها در هر سطح از واحد، ناشی از عوامل مختلف درون و برون سازمانی هستند. همچنین، هردوی این چارچوب‌ها، شناسایی ریسک را از این جنبه که می‌توانند تأثیر بالقوه‌ای بر دستیابی به اهداف داشته باشند، در نظر گرفته‌اند. برخی از مفاهیمی که در چارچوب کنترل داخلی بیان شده‌اند، در چارچوب مدیریت ریسک بنگاه گسترش یافته و برخی نیز در کنترل داخلی مورد بحث قرار نگرفته‌اند اما در چارچوب مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، اضافه شده‌اند. نهایتاً مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی، برای رویارویی با ریسک‌ها در سازمان استقرار می‌یابد و کنترل داخلی، این ریسک‌ها را در محدوده قابل اطمینان کنترل و کاهش می‌دهد. رضایی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان ارزیابی نظام کنترل‌های داخلی مؤسسات غیرانتفاعی بر اساس چارچوب کوزو (مطالعه موردی بیمارستان‌های دولتی شیراز) نشان دادند که در نظام کنترل‌های داخلی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های دولتی شیراز اجزای کنترل‌های داخلی شامل محیط کنترلی، ارزیابی خطر، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و ارزیابی و نظارت به طور اثربخش عمل نمی‌کند و نتیجه‌گیری کردند که در بیمارستان‌های دولتی شیراز باید سیاست‌هایی در جهت

حمایت از واحد حسابرسی داخلی اعمال شود و کنترل‌های داخلی اثربخش طراحی و بکار گرفته شود. حسینی و همکاران (۱۳۹۳)، نشان دادند که استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه رابطه معنادار مثبتی با عملکرد سازمان دارد، همچنین در بررسی فرضیه‌های فرعی نشان دادند که تنها مدیریت ریسک‌های استراتژیک، هیچگونه رابطه معنی‌داری با عملکرد سازمان ندارد. معمار و رشادت‌جو (۱۳۹۳)، در مطالعه موردی خود نشان دادند که از دیدگاه کارکنان شرکت مورد مطالعه مدیریت ریسک تا حدود زیادی می‌تواند بر مدیریت استراتژیک (انتقال ریسک، اجتناب از ریسک، کاهش ریسک، پذیرش ریسک) مؤثر باشد و از نظر محتوا، فعالیت و پیامدها تا حدود زیادی می‌تواند بر مدیریت استراتژیک مؤثر باشد. همچنین طبق رتبه‌بندی آزمون فریدمن بین میانگین رتبه‌های تأثیر عوامل تعیین‌کننده مدیریت ریسک (محتوا، فعالیت، شرایط، پیامدها) بر مدیریت استراتژیک تفاوت معناداری وجود دارد که میزان تأثیر مدیریت ریسک از نظر محتوا بر مدیریت استراتژیک با میانگین رتبه (۲/۸۸) بالاترین و دسترسی آنان و تأثیر مدیریت ریسک از نظر شرایط بر مدیریت استراتژیک با میانگین رتبه (۲/۱۷) ضعیف‌ترین تأثیر را نشان می‌دهد. جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "شناسایی و استخراج مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمان با استفاده از روش فراترکیب" جمعاً ۵۸ مؤلفه برای نظام مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی شناسایی کردند و تجزیه و تحلیل نهایی آنها منجر به شناسایی شش مؤلفه یا بعد اصلی در نظام مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی شده است که به شرح زیر است: شناسایی و تعریف ریسک، سنجش و ارزیابی ریسک، مدیریت و پاسخ به ریسک، اطلاع رسانی، پایش و بازنگری، ایجاد بستر و وضع اهداف. غلامرضائی و مافی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان نقش تجزیه و تحلیل استراتژیک و ریسک تجاری در حسابرسی مالی حاکی از آن است که بهره‌گیری حسابرسان مستقل از ابزارها و مدل‌های تجزیه و تحلیل استراتژیک ارائه شده، افزایش دقت ارزیابی ریسک و همچنین اثربخشی رویه‌های حسابرسی در بهبود کیفیت حسابرسی مالی را در پی دارد. موسوی‌شیری و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه نشان دادند که حسابرسان داخلی مشارکت پایینی در مدیریت ریسک بنگاه داشته، اما آنان همچنین به فعالیت‌هایی می‌پردازند که می‌تواند بی‌طرفی آنان را به خطر اندازد. ایمانی‌خوشخو و همکاران (۱۳۹۱)، بیان کرده‌اند که کوزو به عنوان راهکاری برای پیشگیری و مقابله با بحران‌های مالی شناخته شد که از این طریق مدیریت ریسک بنگاه، مدیریت را در موقعیت بهتری در مقابله با چالش بحران‌های مالی قرار می‌دهد. تاروردی و دامچی‌جلودار (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان "رابطه مدیریت ریسک و عملکرد شرکت" نتیجه گرفتند که دو متغیر از عوامل مدیریت ریسک یعنی رقابت صنعت و اندازه شرکت با عملکرد شرکت رابطه مثبت دارد و در مقابل، دو متغیر دیگر از عوامل مدیریت ریسک یعنی، عدم اطمینان محیطی و نظارت هیات مدیره با عملکرد شرکت رابطه ندارد. فرهی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان رابطه استفاده از مدیریت ریسک بنگاه با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام نشان دادند که استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه رابطه معنی‌دار و مثبتی با عملکرد سازمان‌ها دارد. بررسی فرضیه‌های فرعی تحقیق نشانگر آن است که

مدیریت ریسک‌های عملیاتی، مدیریت ریسک گزارشگری و مدیریت ریسک عدم رعایت قوانین و مقررات رابطه معنی‌دار و مثبتی با عملکرد سازمان دارد ولی مدیریت ریسک‌های استراتژیک هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری با عملکرد سازمان ندارد درنهایت با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها به دنبال اجرای فنون مدیریت ریسک بنگاه باشد و به این نکته مهم توجه نمایند که دستیابی به تمامی اهداف مدیریت ریسک بنگاه (مدیریت ریسک‌های استراتژیک، مدیریت ریسک‌های عملیاتی، مدیریت ریسک‌های گزارشگری و مدیریت ریسک‌های عدم رعایت قوانین و مقررات) در یک سطح و به طور مناسب بیشترین تأثیر را بر عملکرد سازمان هایشان خواهد گذاشت.

در پژوهش‌های قبلی بیشتر به ارتباط مدیریت ریسک بنگاه با عملکرد شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام، حل بحران و شیوه‌های پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی به طور صرف پرداخته شده است اما پژوهش حاضر با طرح ارتباط موضوع مدیریت ریسک بنگاه از چارچوب کوزو با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها علاوه بر توسعه بخشی به ادبیات نظری بحث مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی با وارد کردن نقش نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع در ارتباط مذکور و نقش اعضای کلیدی حاکمیت شرکتی، با به کارگیری رویکرد مدل معادلات ساختاری در بررسی جوانب مختلف روابط احتمالی بین مولفه‌های مذکور نخستین پژوهش در این حوزه محسوب می‌گردد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مدل تحقیق، فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی تحقیق به صورت زیر مطرح و از دیدگاه هریک از اعضای مثلث حاکمیتی به صورت جداگانه و کل اعضای مثلث حاکمیت شرکتی به صورت یکجا بررسی می‌شود:

فرضیه اصلی ۱. مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.
فرضیه فرعی ۱-۱. از منظر کمیته حسابرسی، مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

فرضیه فرعی ۱-۲. از منظر مدیریت ارشد، مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

فرضیه فرعی ۱-۳. از منظر حسابرسان مستقل، مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

فرضیه فرعی ۱-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

فرضیه اصلی ۲. نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۱. از منظر کمیته حسابرسی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک

بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲. از منظر مدیریت ارشد، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۳. از منظر حسابرسان مستقل، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه اصلی ۳. نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۳-۱. از منظر کمیته حسابرسی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۳-۲. از منظر مدیریت ارشد، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۳-۳. از منظر حسابرسان مستقل، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۳-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

۶. متدولوژی تحقیق

در این تحقیق، از رویکرد قیاسی-استقرائی استفاده شده است و از نظر جمع‌آوری داده‌ها در گروه پژوهش‌های پیمایشی و توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش همبستگی قرار دارد و بطور مشخص مبتنی بر معادلات ساختاری است روش کلی پژوهش از جهت هدف، کاربردی است. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و ادبیات پژوهش حاضر از میان کتب، مقالات موجود، پایگاه اینترنتی و پایان‌نامه‌های مرتبط در این زمینه جمع‌آوری شد و اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از طریق مصاحبه و از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه تهیه شده است جامعه آماری پژوهش حاضر، اعضای راهبری شرکت‌های بورسی است بطوری که اعضای راهبری شرکت‌ها در دسترس باشند و با محققان آمادگی همکاری داشته باشند برای کل اعضای مثلث حاکمیتی شرکت‌های انتخابی به تعداد ۱۰۶۸ پرسشنامه توزیع و یا به صورت حضوری مصاحبه انجام گرفت مصاحبه از اعضای مثلث حاکمیتی برای جمع‌آوری اطلاعات لازم به صورت حضوری با سوالاتی که دارای طیف ۱۰ گزینه‌ای لیکرتی^۱ (از کم‌ترین نقش یا اهمیت (امتیاز یک) تا بالاترین نقش یا اهمیت (امتیاز ده)) انجام گرفت بدین طریق که در صورتی که هیچ نقشی یا هیچ ارتباطی با مساله مطرح شده نداشته باشد امتیاز یا رتبه یک داده می‌شود و در صورتی که نقش یا اهمیت داشته باشد و یا

1. Likert scale

دارای بیشترین تأثیر باشد امتیاز ۱۰ به سوال مربوطه داده می‌شود و در صورتی که نقش متوسط داشته باشد و یا اهمیت آن برای سوال مطرح شده اهمیت متوسط داشته باشد امتیاز ۵ به سوال مربوطه داده می‌شود بنابراین سوالات بسته از امتیاز یک تا ۱۰ درجه‌بندی شده است و هر مصاحبه شونده و شرکت کننده در مصاحبه با توجه به سوال پرسیده شده و یا در اختیار می‌تواند از امتیاز یک تا بالاترین امتیاز که ده می‌باشد امتیازبندی نماید و اگر سوالات در مورد مصاحبه شونده و یا مشارکت کننده موضوعیت نداشته باشد یا مشارکت کننده به چنین سوالاتی پاسخ نداده باشد به عنوان پاسخ‌های غیر قابل قبول تلقی گردیده و کنار گذاشته می‌شود که در نهایت پس از طی زمان ۴۵ دقیقه‌ای الی ۷۵ دقیقه‌ای برای هر مصاحبه، اطلاعات جمع‌آوری شده جهت مرتب کردن و طبقه‌بندی اولیه در نرم‌افزار EXCEL (اکسل) و SPSS تغذیه گردید و در نهایت تعداد ۴۳۸ (۱۴۶*۳) پرسشنامه از ۱۰۶۸ پرسشنامه توزیع شده به عنوان پرسشنامه‌های قابل قبول واقع شده و سپس برای آزمون فرضیه‌ها از الگوسازی معادلات ساختاری در محیط لیزرل با در نظر گرفتن مراحل برازش الگوی ساختاری، قضیه اساسی تجزیه و تحلیل مسیر، آزمون و سایر موارد ضروری استفاده شد. بخشی از پرسشنامه حاضر بر اساس مطالعه کوهن و همکاران (۲۰۱۷) که به صورت توصیفی انجام شده بود اقتباس و بومی‌سازی شده است و بخشی دیگر محقق ساخته می‌باشد که برای سنجش روایی^۱ پرسشنامه، ابتدا با ۲۰ نفر از صاحب نظران حوزه‌های مرتبط مصاحبه به صورت حضوری و توزیع پرسشنامه انجام یافت که در صورت نیاز، معیار موثر دیگری را با توجه به هدف پژوهش معرفی و یا معیارها را تعدیل نمایند که در نهایت ۲۰ سوال، مورد تأیید قرار گرفت. برای برآورد پایایی^۲، آلفای کرونباخ با استفاده از ابزار SPSS محاسبه شد آلفای محاسبه شده پرسشنامه مورد استفاده ۰/۸۸ محاسبه گردید که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۷۰ درصد بوده مورد قبول است لذا می‌توان پایایی این پرسشنامه را خوب ارزیابی کرد. جدول ۱ خلاصه‌ای از تعداد پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: خلاصه تعداد پرسشنامه

تعداد پرسشنامه	نمونه آماری	اعضای کمیته حسابرسی	مدیریت ارشد	حسابرسان مستقل	جمع
تعداد پرسشنامه ارسالی و یا مصاحبه انجام گرفته	۳۵۶	۳۵۶	۳۵۶	۳۵۶	۱۰۶۸
تعداد پرسشنامه وصولی	۱۷۰	۱۷۴	۱۷۴	۱۶۶	۵۱۱
تعداد پرسشنامه قابل قبول و مورد استفاده در تجزیه و تحلیل (نمونه نهایی)	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۶	۴۳۸

۱. Validity - اعتبار

۲. Reliability - قابلیت اعتماد

۷. مدل مفهومی

در این بخش این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان مدل جامعی از تأثیر مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی با نقش متغیر تعدیلی نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع از دیدگاه مثلث حاکمیت شرکتی ارائه کرد؟ در این راستا با بررسی چارچوب کوزو (۲۰۱۳) و ادبیات نظری، متغیر مستقل این پژوهش مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و متغیر وابسته کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد که زیر سازه‌های مربوط به هر یک از این متغیرها که حاصل نتیجه پرسشنامه (۲۰ سوال) بوده در جدول ۲ مشخص شده است و سپس مدل پژوهش طی نمودار شماره ۱-۵ تدوین گردید.

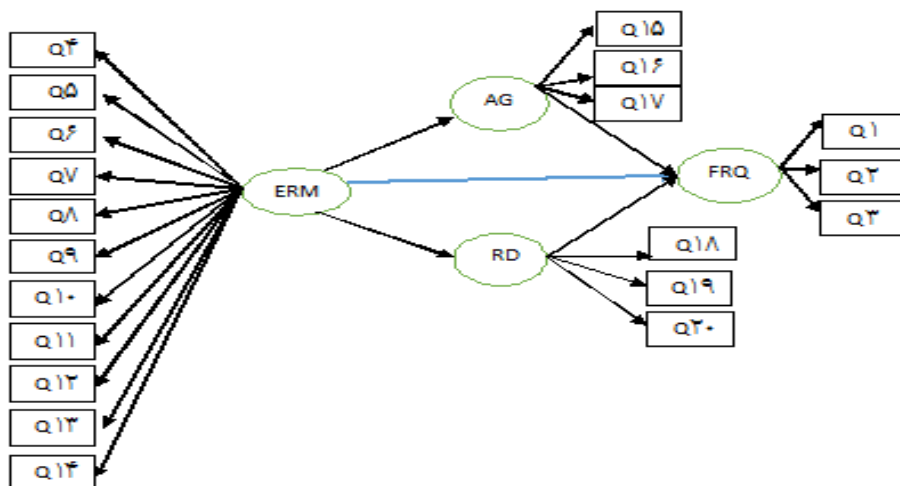
جدول ۲- متغیرها و زیر سازه‌ها

نام متغیر یا سازه	نشانگر سازه	زیر سازه	سوالات
کیفیت گزارشگری مالی (FRQ)	q 1	میزان کیفیت افشاء دواطلبانه و شفافیت اطلاعات حسابداری (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷) (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۷) (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸) (پورزمانی و منصوری ۱۳۹۴) (وکیلی فرد و محمدی، ۱۳۹۴).	کیفیت افشاء دواطلبانه و شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت به چه میزان می‌باشد؟
	q 2	به موقع بودن و قابلیت اتکاء اطلاعات (استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۶)	به موقع بودن و قابلیت اتکاء اطلاعات در شرکت به چه میزان است؟
	q 3	میزان نقش مدیریت ریسک بنگاه در رسیدن به کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷) (پورسعید و محمدی پور، ۱۳۹۸)	نقش مدیریت ریسک بنگاه در رسیدن به کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی چه اندازه است؟
مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی (ERM)	q 4	نقش اعضای کمیته حسابرسی شرکت در اجرای مدیریت ریسک بنگاه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقشی که اعضای کمیته حسابرسی شرکت در اجرای مدیریت ریسک بنگاه دارد؟
	q 5	نقش مدیریت ارشد شرکت در اجرای مدیریت ریسک بنگاه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقشی که مدیریت ارشد شرکت در اجرای مدیریت ریسک بنگاه دارد؟
	q 6	نقش حسابرس مستقل در اجرای مدیریت ریسک بنگاه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقشی که حسابرسان مستقل در اجرای مدیریت ریسک بنگاه دارند؟

نام متغیر یا سازه	نشانگر سازه	زیر سازه	سوالات
مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی (ERM)	q 7	میزان نقش مثلث حاکمیت شرکتی نسبت به اهداف استراتژیک از اهداف ۴ گانه (استراتژیک، عملیاتی، رعایت، گزارشگری) مدیریت ریسک بنگاه در شرکت (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷) (گوردون، ۲۰۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) (نامدار، ۱۳۹۴) (پورسعید و محمدی‌پور، ۱۳۹۸) (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).	نقش جناب عالی نسبت به اهداف استراتژیک از اهداف چهارگانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 8	میزان نقش مثلث حاکمیت شرکتی نسبت به اهداف عملیاتی از اهداف ۴ گانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷) (گوردون، ۲۰۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) (نامدار، ۱۳۹۴) (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).	نقش جناب عالی نسبت به اهداف عملیاتی از اهداف چهارگانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 9	میزان نقش مثلث حاکمیت شرکتی نسبت به اهداف گزارشگری از اهداف ۴ گانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷) (گوردون، ۲۰۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) (نامدار، ۱۳۹۴) (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).	نقش جناب عالی نسبت به اهداف گزارشگری از اهداف چهارگانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 10	میزان نقش مثلث حاکمیت شرکتی نسبت به اهداف رعایت از اهداف ۴ گانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷) (گوردون، ۲۰۰۹؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) (نامدار، ۱۳۹۴) (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).	نقش جناب عالی نسبت به اهداف رعایت از اهداف چهارگانه مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 11	محیط داخلی (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوزو، ۲۰۰۴)	اهمیت محیط داخلی از اجزای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 12	ارزیابی ریسک (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (جعفری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳)؛ (کوزو، ۲۰۱۳) (پورسعید و محمدی‌پور، ۱۳۹۸)	اهمیت ارزیابی ریسک از اجزای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 13	پاسخ به ریسک (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)؛ (جعفری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳)؛ (کوزو، ۲۰۱۳)	اهمیت پاسخ به ریسک از اجزای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟

نام متغیر یا سازه	نشانگر سازه	زیر سازه	سوالات
نظریه نمایندگی (AG)	q 14	اقدامات کنترلی و پایش (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷؛ جعفری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳) (کوزو، ۲۰۱۳) (رضوی عراقی و همکاران، ۱۳۹۷)	اهمیت اقدامات کنترلی و پایش از اجزای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت چه اندازه است؟
	q 15	کنترل مدیریت، جزئی از اجزای نظریه نمایندگی (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) کنترل مدیریت در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟
	q 16	مکانیسم نظارتی، جزئی از اجزای نظریه نمایندگی (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) مکانیسم نظارتی در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟
	q 17	عمل مدیریت به نفع خود (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) عمل مدیریت به نفع خود در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟
نظریه وابستگی منابع (RD)	q 18	چشم انداز استراتژیک (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) چشم انداز استراتژیک در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟
	q 19	تامین منابع برای شرکت از بیرون (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) تامین منابع برای شرکت از بیرون در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟
	q 20	چالش‌های بیرونی مرتبط با حاکمیت شرکتی، ریسک‌های کسب و کار (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷)	نقش (اهمیت) چالش‌های بیرونی مرتبط با حاکمیت شرکتی، ریسک‌های کسب و کار در تعامل بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی چه میزان است؟

مدل مفهومی پژوهش ۵-۱



۸. یافته‌های پژوهش

۸-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۳، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق که شامل بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی بوده و برای نمونه‌ای متشکل از ۴۳۸ نفر از اعضای مثلث حاکمیت شرکتی شرکت‌های نمونه در دسترس در سال ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد. از نظر مدیران ارشد، میانگین، میانه و حداقل امتیاز کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌هایی که آنها فعالیت می‌کنند به ترتیب ۶٫۸۵، ۷٫۳۳ و ۳ می‌باشد و چون بالاتر از ۵ (متوسط طیف ده‌گانه لیکرت) می‌باشد می‌توان بدین گونه تفسیر نمود که میزان کیفیت افشاء داوطلبانه، به موقع بودن، قابلیت اتکا اطلاعات و نقش مدیریت ریسک بنگاه در رسیدن به کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی از نظر اعضای مدیران ارشد حایز اهمیت بوده و با توجه به بالا بودن میانه کیفیت گزارشگری مالی از نظر مدیران (۷٫۳۳) انتظار می‌رود که جا برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی بیش از این هم وجود دارد.

جدول ۴ اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد همان‌طوریکه مشاهده می‌گردد اکثر مشارکت کنندگان و پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه، مردان هستند (۸۱ درصد) همچنین بیش از نیمی از پاسخ دهندگان دارای سن بیش از ۴۱ سال هستند و بیش از نیمی از شرکت کنندگان در مصاحبه، زیر ۱۰ سال در پست فعلی مشغول هستند توزیع سابقه کل خدمتی مشارکت کنندگان تقریباً مشابه هم هستند به‌طوریکه سابقه زیر ۱۰ سال با بیشترین درصد دارای ۳۸ درصد می‌باشد و ۸۶٪ اعضا کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی در مقطع کارشناسی ارشد با ۵۴٪ می‌باشد.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

اعضای مثلث حاکمیت شرکتی	نام متغیر	علامت	میانگین	میان	حدافل	حداکثر	انحراف معیار stdev	تعداد مشاهدات
کمیته حسابرسی	کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۶,۸۷	۷,۱۷	۳	۱۰	۱,۳	۱۴۶
	مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی	ERM	۷,۲۱	۷,۳۶	۱	۱۰	۱,۴۷	۱۴۶
	نظریه نمایندگی	AG	۶,۸۴	۷	۳	۱۰	۱,۲۸	۱۴۶
	نظریه وابستگی منابع	RD	۶,۸۳	۷	۱	۱۰	۱,۳۵	۱۴۶
مدیریت	کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۶,۸۵	۷,۳۳	۳	۱۰	۱,۳۹	۱۴۶
	مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی	ERM	۶,۷۱	۶,۸۲	۱	۱۰	۱,۶	۱۴۶
	نظریه نمایندگی	AG	۵,۵۳	۶	۳	۱۰	۲,۳۲	۱۴۶
	نظریه وابستگی منابع	RD	۵,۵۵	۵,۶۷	۱	۱۰	۲,۴۹	۱۴۶
حسابرسان مستقل	کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۶,۸۲	۷	۳	۱۰	۱,۳۷	۱۴۶
	مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی	ERM	۶,۷۶	۷,۰۹	۱	۱۰	۱,۵۳	۱۴۶
	نظریه نمایندگی	AG	۶,۹۸	۷,۳۳	۳	۱۰	۱,۵۳	۱۴۶
	نظریه وابستگی منابع	RD	۶,۸۶	۶,۶۷	۱	۱۰	۱,۶۷	۱۴۶
مثلث حاکمیت به طور یکجا	کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۶,۸۵	۶,۶۷	۳,۶۷	۹,۶۷	۱,۰۳	۴۳۸
	مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی	ERM	۶,۸۹	۶,۹۴	۳	۱۰	۰,۹۷	۴۳۸
	نظریه نمایندگی	AG	۶,۴۵	۶,۴۴	۲,۳۳	۱۰	۱,۱۲	۴۳۸
	نظریه وابستگی منابع	RD	۶,۴۱	۶,۴۳	۲,۳۳	۱۰	۱,۱۹	۴۳۸

جدول ۴: ویژگی‌های جمعیت شناختی مثلث حاکمیتی

ویژگی‌ها	جنسیت	سن (سال)	مدت اشتغال در پست فعلی (سال)	کل سابقه کار (سال)	رشته تحصیلی	آخرین مقطع تحصیلی				
						غیر تخصص مالی	تخصص مالی	کارشناسی	ارشد	دکترای
کمیته حسابرسی	زن	۲۸	۱۱۸	۱۱	۳۰	۷۵	۳۰	۱۱	۱۱۸	۲۸
حسابرسان مستقل	مرد	۲۳	۱۲۳	۸	۲۸	۷۱	۳۹	۷۶	۱۶	۵۴
مدیران ارشد	زن	۱۹	۱۲۷	۳	۳۵	۶۴	۴۴	۶۹	۱۰	۴۵

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸-۲- یافته‌های استنباطی

مدل کلی تحقیق توسط برنامه LISREL طراحی گردید که یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که برای برآورد پارامترها، آزمون معنی‌داری و برازش مدل‌های معادلات ساختاری طراحی شده است. در این مدل یک متغیر مکنون وابسته (کیفیت گزارشگری مالی با سه مولفه) و متغیر مستقل مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی با مولفه‌هایشان (۱۱ مولفه) وجود دارند. در این مدل متغیرهای پنهان به صورت دایره و متغیرهای آشکار به صورت مستطیل نشان داده شده است. روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار را اصطلاحاً بارهای عاملی می‌گویند. معادلات ساختاری نیز روابط بین متغیرهای پنهان و پنهان می‌باشند و برای آزمون فرضیات استفاده می‌شود که به این ضرایب اصطلاحاً ضرایب مسیر گفته می‌شود. برای معنادار بودن رابطه متغیر مستقل با متغیر وابسته از t-value استفاده می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵٪، t-value باید خارج از بازه ۱/۹۶ تا ۱/۹۶- باشد تا آن رابطه معنی‌دار تلقی گردد.

۹. آزمون فرضیه‌ها:

۹-۱- تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی و بررسی مدل‌های اندازه‌گیری

۹-۱-۱- تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی از نظر کمیته حسابرسی

جدول ۵ نتایج بررسی مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل تأییدی از نظر کمیته حسابرسی و مثلث حاکمیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل تأییدی از نظر کمیته حسابرسی و مثلث حاکمیت شرکتی

شاخص برازندگی	χ^2/df	RMR	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	IFI
دامنه پذیرش	< ۳	< ۰,۰۸	< ۰,۰۸	< ۰,۰۹	< ۰,۰۹	< ۰,۰۹	۱ - ۰
مقادیر مدل از نظر کمیته حسابرسی (به صورت مستقل)	۲,۰۰۳	۰,۰۳۱	۰,۲۰	۰,۵۶	۰,۴۳	۰,۴۱	۰,۴۴
مقادیر مدل از نظر مثلث حاکمیت شرکتی	۵,۱۷	۰,۰۱۵	۰,۱۷	۰,۶۳	۰,۵۳	۰,۴۲	۰,۴۷

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقادیر شاخص برازش فزاینده، شاخص برازش هنجار شده، شاخص‌های نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته، شاخص‌های ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده و خی دو بهنجار شده در دامنه پذیرش قرار دارند بنابراین مناسب بودن مدل را تأیید می‌کند.

۹-۲- تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی از نظر مثلث حاکمیت شرکتی به صورت کلی

نتایج جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از مقادیر شاخص برازش فزاینده، شاخص برازش هنجار شده، شاخص‌های نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته، شاخص‌های ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده و خی دو بهنجار شده در دامنه پذیرش قرار دارند بنابراین مناسب بودن مدل را تأیید می‌کند.

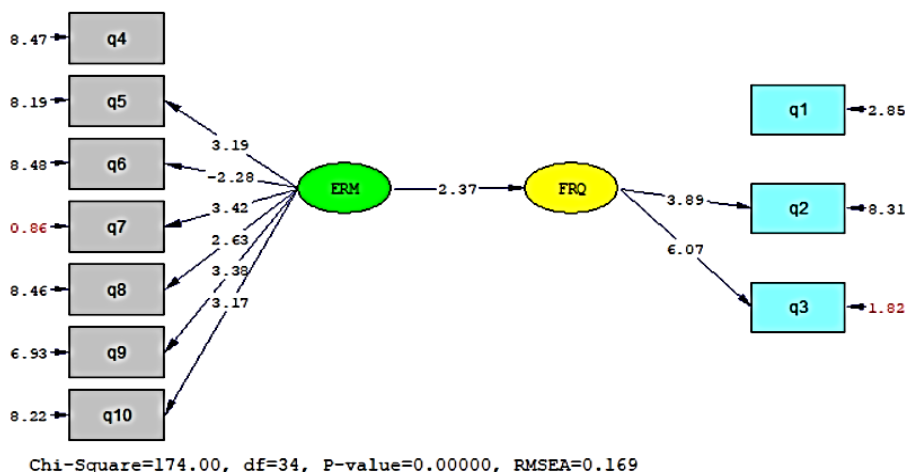
۹-۲- سوالات/فرضیه‌های تحقیق و بررسی بخش ساختاری

پس از اطمینان از برازش و اندازه‌گیری تجزیه و تحلیل عامل تأییدی مدل تحقیق، در این قسمت، مدل ساختاری مورد برازش قرار گرفته است تا بر اساس آن به سوالات تحقیق جواب داده شود. همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق با استفاده از معادلات ساختاری آزمون شدند. براساس فرضیه‌های تحقیق، مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آنها به صورت زیر مشخص شده‌اند.

فرضیه ۱-۱. از منظر کمیته حسابرسی مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

نتایج آزمون برازش مدل فرضیه ۱-۱: با استفاده از مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل مسیر در شکل‌های زیر شامل مدل برازش بر مبنای t معناداری منعکس شده‌اند.

شکل ۱ مدل اندازه‌گیری فرضیه ۱-۱ در حالت t معناداری



نتایج شکل ۱ نشان می‌دهد که مقدار t ضریب مسیر (۲,۳۷) بزرگتر از ۱,۹۶ بوده که نشان دهنده تایید ضریب مسیر مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی است. بنابراین می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد ادعا نمود که از نظر کمیته حسابرسی، مدیریت ریسک بنگاه با ضریب ۰,۳۰ و مقدار t ۲,۳۷ بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم دارد. نتایج مربوط به بررسی مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل ساختاری از نظر کمیته حسابرسی و مثلث حاکمیت شرکتی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل ساختاری فرضیه ۱-۱

IFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	RMR	χ^2/df	شاخص برازندگی
۱ - ۰	< ۰,۹	< ۰,۹	< ۰,۹	< ۰,۰۸	< ۰,۰۸	< ۳	دامنه پذیرش
۰,۶۷	۰,۶۳	۰,۶۹	۰,۸۱	۰,۱۶	۰,۲۶	۵,۱۱	مقادیر مدل از منظر کمیته حسابرسی
۰,۳۸	۰,۳۶	۰,۳۹	۰,۵۷	۰,۲۴	۰,۳۶	۹,۹۸	مقادیر مدل از منظر مثلث حاکمیتی شرکت

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای بررسی اینکه مدل مذکور از لحاظ تبیین مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از مقادیر شاخص نرم شده برازندگی ($NFI=0.63$) و شاخص برازندگی فزاینده ($IFI=0.67$) استفاده گردیده که مقادیر محاسبه شده کوچکتر از ۰,۹ این شاخص‌ها

حاکمی از برازش مناسب مدل است.

برای بررسی چگونگی ترکیب برازندگی و صرفه‌جویی مدل مربوطه، از شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شده است. مدلی که در آن این شاخص بیشتر از ۰/۱۰ باشد برازش ضعیفی دارد. مقدار این شاخص در این مدل برای ۰/۱۶ می‌باشد که برای مدل طراحی شده برازش نسبتاً مناسبی است.

* لازم به ذکر است که فرضیه‌های ۱-۲ و ۱-۳ از منظر مدیریت و حسابرسان مستقل نیز مورد تایید بوده است و مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی از نظر مدیران و حسابرسان نیز تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

فرضیه‌های ۱-۲ و ۱-۳ از نظر کمیته حسابرسی، نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.

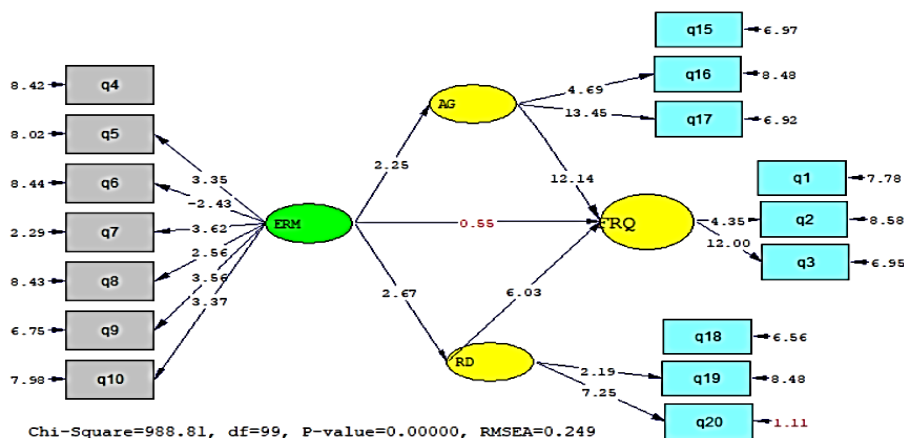
نتایج آزمون برازش مدل فرضیه‌های ۱-۲ و ۱-۳: بر اساس ضرایب معناداری در شکل ۲ منعکس شده‌اند. نتایج بدست آمده از ضریب مسیر و t-value نشان می‌دهد که با ورود متغیرهای نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع در مدل فرضیه ۱-۱، رابطه مستقیم مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی با کیفیت گزارشگری مالی از ۰/۳۰ به ۰/۰۳ کاهش یافته و معنی‌داری خود را از دست داده، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا نمود که از نظر کمیته حسابرسی، نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی قوی و مثبت دارد. در جدول ۷ مقادیر شاخص نرم شده برازندگی ($NFI=0.36$) و شاخص برازندگی فزاینده ($IFI=0.38$)، همچنین بقیه شاخص‌های برازش کوچکتر از ۰/۹ بوده و در دامنه مربوطه قرار دارند یعنی مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده است. برای بررسی چگونگی ترکیب برازندگی و صرفه‌جویی مدل مربوطه، از شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شده است. مقدار این شاخص در مدل فوق ۰/۲۴ می‌باشد که برای مدل طراحی شده برازش نسبتاً مناسبی است.

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل ساختاری فرضیه‌های ۱-۲ و ۱-۳

IFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	RMR	χ^2/df	شاخص برازندگی
۱ - ۰	< ۰/۹	< ۰/۹	< ۰/۹	< ۰/۰۸	< ۰/۰۸	< ۳	دامنه پذیرش
۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۵۷	۰/۲۴	۰/۳۶	۹/۹۸	مقادیر مدل از نظر کمیته حسابرسی
۰/۷۷	۰/۷۱	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۱۳	۰/۱۱	۳/۴۲	مقادیر مدل از نظر مثلث حاکمیت

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل ۲. مدل اندازه‌گیری فرضیه‌های ۱-۳ و ۲-۱ در حالت t معناداری



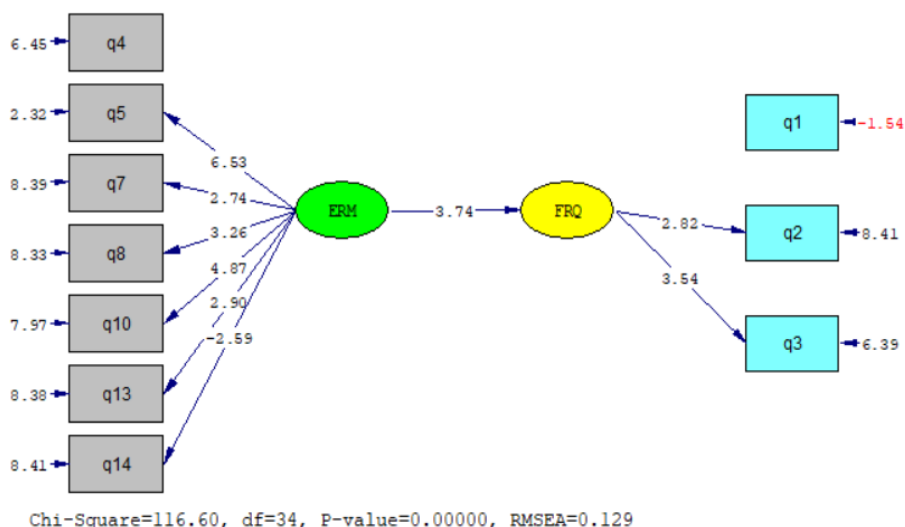
فرضیه‌های ۲-۲، ۳-۲، ۳-۳ و ۳-۳ (از نظر مدیریت و حسابرسان مستقل). نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.

آزمون برازش مدل فرضیه ۲-۱ و ۳-۱ یک بار دیگر نیز از منظر مدیریت و حسابرسان مستقل بر اساس ضرایب استاندارد و معناداری مورد آزمون قرار گرفت. همچنین مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل ساختاری نیز بررسی گردید (از آوردن اشکال و جداول مربوطه در این بخش صرف نظر شده است). نتایج آزمون نشان داد که از نظر مدیریت و حسابرسان مستقل نیز فرضیه تایید شده است. یعنی نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد. اما این تأثیر از نظر مدیریت نسبت به نظرات کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل قوی‌تر بوده است.

فرضیه ۱-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.

برای بدست آوردن نظر مثلث حاکمیت شرکتی، میانگین سه گروه برای هریک از سازه‌ها محاسبه شده و برای آزمون مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مسیر برای فرضیه ۱-۴ بر اساس مدل معناداری در شکل ۳ نشان داده شده است. نتایج مربوط به بررسی مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل ساختاری در جدول ۸ نشان داده شده است.

شکل ۳. مدل اندازه‌گیری فرضیه ۴- (کلی) در حالت t معناداری



جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل ساختاری فرضیه ۴-۱

IFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	RMR	χ^2/df	شاخص برازندگی
شاخص برازندگی فزاینده	شاخص نرم شده برازندگی	مقدار نسبی کوواریانس ها	مقدار نسبی واریانس	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب	ریشه دوم میانگین مجدور پس‌مانده‌ها	کای اسکوتر به درجه آزادی	نام شاخص‌ها
۱ - ۰	< ۰,۹	< ۰,۹	< ۰,۹	< ۰,۰۸	< ۰,۰۸	< ۳	دامنه پذیرش
۰,۷۷	۰,۷۱	۰,۷۸	۰,۸۶	۰,۱۳	۰,۱۱	۳,۴۲	مقادیر مدل

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

از مقادیر شاخص نرم شده برازندگی ($NFI=0.71$) و شاخص برازندگی فزاینده ($IFI=0.77$) برای بررسی برازش کلی مدل استفاده گردیده که مقادیر محاسبه شده کوچکتر از ۰,۹ بوده که این شاخص‌ها حاکی از برازش مناسب مدل است. مقدار شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب ($RMSEA$) در این مدل برابر ۰,۱۳ می‌باشد که برای مدل طراحی شده برازش نسبتاً مناسبی است. محاسبات شکل ۳ نشان می‌دهد که مقدار t ضریب مسیر ۳,۷۴ و بزرگتر از ۱,۹۶ بوده که نشان دهنده تأیید ضریب مسیر مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی است. بنابراین می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد گفت که از نظر مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه با ضریب ۰,۲۶ بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۲-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.

فرضیه ۳-۴. از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مسیر برای فرضیه‌های ۲-۴ و ۳-۴ به صورت کلی و از منظر مثلث حاکمیت شرکتی بر اساس مدل معناداری در شکل ۴ نشان داده شده است. در جدول ۹ نتایج مربوط به بررسی مناسب بودن شاخص‌های برازش مدل ساختاری از منظر مثلث حاکمیت شرکتی نشان داده شده است.

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل ساختاری (کلی) فرضیه ۲-۴ و ۳-۴ به صورت کلی

شاخص برازندگی	χ^2/df	RMR	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	IFI
دامنه پذیرش	< 3	$< 0,08$	$< 0,08$	$< 0,9$	$< 0,9$	$< 0,9$	$1 - 0$
مقادیر مدل	۵,۲۷	۰,۱۸	۰,۱۷	۰,۶۹	۰,۵۷	۰,۴۸	۰,۵۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نسبت χ^2/df به حجم نمونه وابسته است و نمونه بزرگ، کمیت خرد را بیش از آنچه که بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد. مقدار این شاخص ۵,۲۷ گزارش شده که از دامنه پذیرش فاصله چندانی ندارد، می‌توان نتایج حاصل از این قسمت را معتبر و به لحاظ آماری قابل تجزیه و تحلیل دانست. شاخص GFI و AGFI نشان‌دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس و کوواریانس‌ها می‌باشد که توسط مدل تبیین می‌شود. این معیار بین صفر تا یک متغیر می‌باشد که هر چه به عدد یک نزدیک‌تر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است. مقادیر این شاخص‌ها، همچنین بقیه شاخص‌ها (IFI و NFI) برای مدل کلی ما کوچکتر از ۰,۹ هستند، که تایید کننده برازش خوب مدل است.

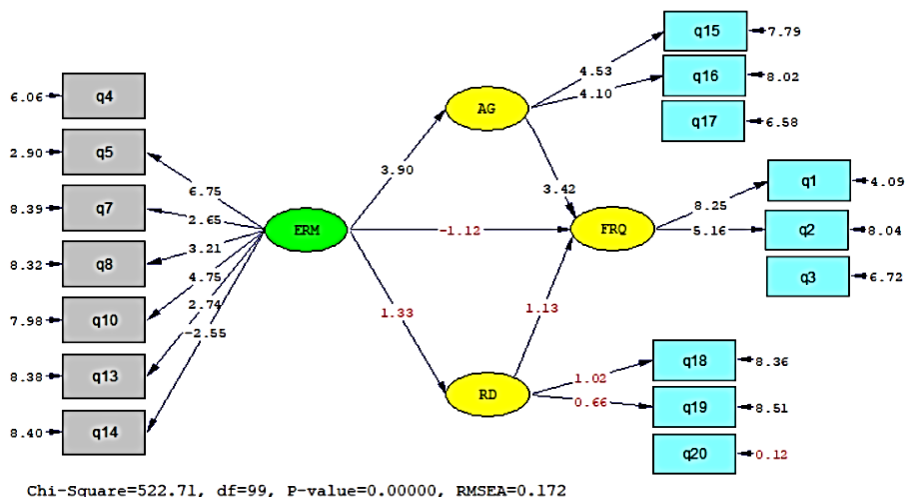
شاخص ریشه دوم میانگین مجذور پس مانده‌ها (RMR)، یعنی تفاوت بین عناصر ماتریس مشاهده شده در گروه نمونه و عناصر ماتریس پیش‌بینی شده با فرض درست بودن مدل مورد نظر است که هر چه این شاخص برای مدل مورد نظر نزدیک‌تر به صفر باشد، مدل مذکور برازش بهتری دارد. مقدار RMR در مدل برابر ۰,۱۸، بیانگر تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس‌ها می‌باشد. برای بررسی چگونگی ترکیب برازندگی و صرفه‌جویی مدل مربوطه، از شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شده است. مقدار این شاخص در مدل فوق ۰,۱۷ بوده که برای مدل طراحی شده برازش نسبتاً مناسبی است.

در مدل فوق، رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی با متغیر تعدیلی AG تایید شده، همچنین رابطه متغیر AG نیز با FRQ تایید شده است، چون مقادیر t محاسبه شده آنها بزرگتر از ۱,۹۶ است. اما با ورود متغیرهای نظریه نمایندگی و نظریه وابستگی منابع در مدل ۴-۱،

رابطه مستقیم مدیریت ریسک بنگاه با کیفیت گزارشگری مالی از ۰,۲۶ به ۰,۲۲- کاهش یافته و معنی داری خود را از دست داده، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که از نظر مثلث حاکمیت شرکتی نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی مثبت دارد.

اما مسیر متغیر تعدیلگر بعدی یعنی RD مورد تایید نیست. چراکه رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی با متغیر تعدیلی RD تایید نشده، همچنین رابطه متغیر RD با FRQ نیز تایید نشده است، چون مقادیر t محاسبه شده آنها کوچکتر از ۱,۹۶ است. بنابراین از نظر مثلث حاکمیت شرکتی نظریه وابستگی (RD) بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت گزارشگری مالی نمی تواند اثر تعاملی داشته باشد. جدول ۱۰ خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها را نشان می دهد.

شکل ۴. مدل اندازه گیری فرضیه ۲-۴ و ۳-۴ در حالت t معناداری



جدول ۱۰. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

شماره فرضیه	عنوان فرضیه	نتیجه آزمون
فرضیه ۱-۱	از منظر کمیته حسابرسی، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۲-۱	از منظر مدیران ارشد، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۳-۱	از منظر حسابرسان مستقل، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۴-۱	از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر بگذارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۱-۲	از منظر کمیته حسابرسی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۲-۲	از منظر مدیران ارشد، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۳-۲	از منظر حسابرسان مستقل، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۴-۲	از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۱-۳	از منظر کمیته حسابرسی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۲-۳	از منظر مدیران ارشد، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۳-۳	از منظر حسابرسان مستقل، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	تایید فرضیه
فرضیه ۴-۳	از منظر مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی دارد.	رد فرضیه

۱۰. خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به تعدادی از شرکت‌هایی که ورشکست شده‌اند تأکید بیشتری بر تقویت روش‌های مدیریت ریسک بنگاه برای شناسایی و کنترل ریسک‌های تجاری و اطمینان از اینکه آن‌ها منطبق با استراتژی‌های شرکت و اشتباه پذیرش ریسک^۱ هستند وجود دارد علاوه بر این، بسیاری از منتقدان معتقدند که استراتژی‌ها و ریسک‌های مهم شرکت باید با صراحت و شفافیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران افشاء شود (آدامز و همکاران، ۲۰۱۱) و باید به صراحت توسط حسابرسان در ارزیابی ریسک و طرح برنامه‌ریزی مطرح شود (کوچی تاوا-کوزلوسکی و مسیر، ۲۰۱۱) و از

1. risk appetite

همه مهم‌تر این که، کل ریسک‌های یک شرکت بر ارزیابی صورت‌های مالی و برآوردها تأثیر می‌گذارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۷). زنگ‌زن مقدم و لشگری (۱۳۹۷) نیز بیان کرده‌اند که از زمان تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری، تحقیق‌های متعددی درباره کیفیت اطلاعات مالی گزارش‌شده از طریق سیستم حسابداری انجام شده است. بنابراین مطالعه حاضر آزمون می‌کند که چگونه مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی اثر می‌گذارد؟ جهت بدست آوردن تجارب و دیدگاه اعضای کلیدی حاکمیت شرکتی در خصوص مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی از چارچوب کوزو (۲۰۱۳) و مبانی نظری تحقیق شامل بیست پرسش و زیر سازه‌هایی شده استفاده کردیم که در ادامه تأثیر سازهایی از نظریه‌های نمایندگی و وابستگی منابع بر نقش واقعی اعضا در انجام اهداف چارچوب مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی بررسی شد. تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها بر اساس برنامه لیزرل و مبتنی بر سه فرضیه اصلی (هر کدام دارای چهار فرضیه فرعی) بدین شرح می‌باشد:

نتایج آزمون‌های مبتنی بر فرضیه‌های فرعی فرضیه اصلی اول نشان می‌دهد که از نظر کمیته حسابرسی، مدیران ارشد، حسابرسان مستقل و مثلث حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم دارد. بنابراین ارزیابی اعضای کمیته حسابرسی، مدیران، حسابرسان مستقل و مثلث حاکمیت شرکتی این است که اعمال و اجرای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌ها موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. لذا نتایج حاصله، تاییدکننده اثر مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی است. نتایج پژوهش‌های گذشته که با نتایج پژوهش حاضر می‌تواند هم خوانی داشته باشد که از جمله پژوهش‌های حساس یگانه و نتاج ملک‌شاه (۱۳۸۵) کنترل‌های داخلی کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد. رضوی عراقی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که کنترل‌های داخلی می‌تواند اولاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد و ثانیاً تقارن اطلاعات را افزایش دهد (رضوی عراقی و همکاران، ۱۳۹۷). توانگر حمزه‌کلایی و اسکافی اصل (۱۳۹۷) بیان کرده‌اند که در ادبیات پژوهش از کنترل داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افشای به موقع اطلاعات، تسهیل فرآیند حسابرسی داخلی و مستقل و... یاد می‌شود. یک فرایند گزارشگری مالی قوی شامل تلاش تهیه‌کننده‌های گزارش و گروه‌های پایش نظیر کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل برای ارائه گزارش‌های مالی دقیق، شفاف و افشای مربوطه است (باکستر و همکاران، ۲۰۱۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت گزارشگری مالی و ارتقاء افشاء را می‌توان به عنوان ابزار آگاهی بخشی تلقی کرد (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۴). با وجود تدوین سازوکارهای نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی آن‌ها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج این پژوهش‌ها هر کدام به نوعی اثر مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی را تایید می‌کنند.

فرضیه اصلی دوم با وارد کردن متغیر تعدیلی نظریه نمایندگی در رابطه اثر مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی بر کیفیت گزارشگری مالی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که از نظر کمیته حسابرسی، مدیران ارشد، حسابرسان مستقل و مثلث حاکمیت شرکتی، نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی قوی و مثبت دارد. به عبارتی نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد. اما این تأثیر از نظر مدیران نسبت به نظرات کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل قوی‌تر بوده است که این نتیجه با نتایج تحقیق کوهن و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد و منطبق با مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی است که بیان کننده یک نقش اولیه نظریه نمایندگی و نظارت در شرکت‌ها می‌باشد. و این دور از انتظار هم نبوده است زیرا که مالکیت مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی با مدیریت ارشد شرکت بوده و کمیته‌های حسابرسی مسئول پایش مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و گزارشگری مالی هستند و ارزیابی حسابرسان از ریسک‌ها و مشارکت در حسابرسی تحت تأثیر شیوه‌های حسابداری، ریسک‌های کنترل و یا افشای ناکافی و ناکامل حاصل از موقعیت ریسک شرکت قرار دارد (COSO 2004) و توان اعمال مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌ها، برای به تعادل رساندن استراتژی‌های بنگاه اقتصادی و ریسک‌های کسب و کار را نشان می‌دهد. برخی نتایج پیشین که با نتیجه پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد از جمله کوهن و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که گزارش‌های مالی و برنامه‌ریزی حسابرسی بایستی منعکس کننده ریسک‌های نظریه نمایندگی (پایش) و نیز ریسک‌های نظریه وابستگی منابع (راهبردی) شرکت باشد. نمازی (۱۳۸۴) بیان کرد که تئوری نمایندگی مبنای علمی جهت به کارگیری فن‌های مهم حسابداری مدیریت از قبیل ارزیابی عملیات مدیران، اعطای پاداش، بودجه‌بندی و تضاد منافع و مشارکت در ریسک را فراهم کرده است. افزون بر آن، علت به کارگیری راهکارهای مهمی چون حسابرسی و سیستم‌های کنترل را در سازمان فراهم نموده است. با این وجود، این نظریه، یکی از مؤثرترین شیوه‌های کنترل عملیات درون سازمانی را پیروی از اصول اخلاقی و اعتماد به نماینده جهت افشای اطلاعات داوطلبانه توسط وی می‌داند (نمازی، ۱۳۸۴). یکی از سازوکارهایی که بازار در رابطه با نظریه نمایندگی از آن استفاده می‌کند، ارزیابی کیفیت کنترل داخلی واحدهای تجاری است. توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل (۱۳۹۷) در ادبیات پژوهش از کنترل داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افشای به موقع اطلاعات، تسهیل فرآیند حسابرسی داخلی و مستقل و... یاد می‌شود. نتایج این پژوهش‌ها هر کدام به نوعی اثر نظریه نمایندگی بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید می‌کنند.

فرضیه اصلی سوم با وارد کردن متغیر نظریه وابستگی منابع به عنوان تعدیل‌گر بر رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که از نظر کمیته حسابرسی، مدیران ارشد و حسابرسان مستقل، نظریه وابستگی منابع بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی اثر تعاملی قوی و مثبت دارد. اما مسیر متغیر تعدیلگر یعنی نظریه وابستگی منابع مورد تأیید مثلث حاکمیت شرکتی نیست. بنابراین از نظر مثلث حاکمیت شرکتی،

نظریه وابستگی منابع (RD) بر رابطه بین مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و کیفیت گزارشگری مالی نمی‌تواند اثر تعاملی داشته باشد که آن‌هم می‌تواند ناشی از نادیده گرفتن ریسک‌های کسب‌وکار و استراتژیک توسط برخی از اعضا مثلث از جمله حسابرسان باشد که نشان از نقش ذاتی نظارتی آن‌ها می‌باشد که با یافته‌های تحقیق بل و همکاران (۱۹۹۷) و میکس و کاپلان (۲۰۱۲) که نتیجه‌گیری کرده‌اند ارزیابی ریسک‌های کسب‌وکار و استراتژیک در تعیین استراتژیک مناسب حسابرسی مهم است منطبق می‌باشد. کوهن و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که اعضای سه‌گانه حاکمیت بر اهمیت پایش (نظریه نمایندگی) و نیز تدوین استراتژی (نظریه وابستگی منابع) در هنگام تعریف مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی واقف است. با این حال همان طور که انتظار می‌رفت، تفاوت در پاسخ‌ها وجود داشت که منعکس کننده نقش‌های متفاوت و تأکید مختلف اعضای سه‌گانه حاکمیت نسبت به آن مفاهیم است. به طور کلی، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که نظریه وابستگی منابع ممکن است توسط همه گروه‌ها نادیده گرفته شود.

اما نتیجه مهم غیرمستقیم دیگری که بدست آمد این است که سازه‌های محیط داخلی، ارزیابی ریسک، پاسخ به ریسک و اقدامات کنترلی و پایش که به عنوان اجزای مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی شناخته شده‌اند از نظر مثلث حاکمیت شرکتی نمی‌توانند تبیین کننده شاخص مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی باشند و این مورد دور از انتظار بود و با یافته رضایی و همکاران (۱۳۹۴) که نتیجه‌گیری کرده بودند اجزای کنترل داخلی در مطالعه موردی‌شان به طور اثربخش عمل نمی‌کند در یک راستا می‌باشد.

در کل مطالعه حاضر شواهد اساسی برای مدیران ارشد، حسابرسان مستقل، اعضای کمیته حسابرسی و بطور کلی مثلث حاکمیت شرکتی در نقش بااهمیت مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در اثرگذاری بر کیفیت گزارشگری مالی فراهم می‌نماید.

پژوهش حاضر نیز به مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که از آن جمله می‌توان به خطر ذاتی استفاده از ابزار پرسش‌نامه جهت گردآوری اطلاعات نام برد هرچند در طول طراحی و تعدیل پرسشنامه سعی شده سوالات به صورت واضح، درست، کامل و مشخص باشد ولی در هر حال وجود برخی برداشتهای احتمالی نادرست از سوالات می‌تواند نتایج پژوهش حاضر را تحت تأثیر قرار دهد. عدم وجود بانک اطلاعاتی جامع و کامل اعضای کمیته حسابرسی، حسابرسان مستقل و مدیران ارشد و عدم دسترسی سهل و آسان به اعضای مذکور که باعث طولانی‌تر شدن فرایند اجرای پژوهش حاضر گردیده از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود و یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که نظرات و دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه ممکن است در مراحل مختلف با توجه به تجربیاتشان و بلوغ مدیریتی‌شان در ارتباط با ریسک بنگاه اقتصادی بر قابل تعمیم بودن یافته‌های پژوهش تأثیر بگذارد. بنابراین در خصوص اعمال اجزای مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در شرکت‌ها باید با احتیاط، نهایت دقت و تأمل بیشتری گام برداشت.

پیشنهاد می‌شود همین تحقیق با استفاده از مدل‌های دیگر به غیر از مدل کوزو در تعیین

مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی انجام گیرد. همین تحقیق را می‌توان از منظر هدف اجرا به صورت اکتشافی با استفاده از نظریه زمینه بنیان و روش داده‌کاوی انجام داد و یا می‌توان همین تحقیق را با تمرکز بر بخش‌های دیگری مانند مدیر مالی شرکت و کمیته ریسک (اگر وجود داشته باشد) که می‌تواند نقش بااهمیتی با توجه به مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی داشته باشد انجام داد.

۱۱. پیشنهادهای کاربردی مرتبط با یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌شود که مدیران شرکت‌ها به ایجاد دایره مدیریت ریسک در بنگاه‌های تحت مدیریت خود اهتمام جدی بورزند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که سازوکارهای لازم را جهت ایجاد و تقویت دایره مدیریت ریسک در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت جدی فراهم نماید و مدیران شرکت‌ها نیز بایستی حمایت و پشتیبانی لازم را داشته باشند.

با توجه به اهمیت نقش نیروی انسانی در اجرای مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی و اثر آن بر کیفیت گزارشگری مالی ضروری است که تأثیر نظریه نمایندگی مورد توجه جدی قرار گیرد. زیرا اعضای اصول راهبری حاکمیتی شرکت شامل سه گروه عمده و موثر مدیریت، اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل قادر به مفهوم سازی مدیریت ریسک بنگاه اقتصادی در نقش‌های متفاوت خود می‌باشند. بنابراین بر اساس نتایج فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار تهران از طریق تقویت راهبری شرکتی و اعمال نظارت قوی‌تر، نمایندگان (مدیران) را به سمت رعایت منافع کلیه گروه‌های ذینفع سوق دهد و از بروز تضاد منافع پیشگیری نماید تا از این طریق بستر افزایش کیفیت گزارشگری مالی فراهم شود. مدیران شرکت‌ها نیز بایستی همکاری لازم را با کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل در این زمینه داشته باشند.

تمرکز اصلی نظریه وابستگی منابع، بر جریان و تبادل منابع بین بنگاه‌ها و تأمین‌کنندگان منابع آن‌ها است. حامیان نظریه وابستگی منابع معتقدند که بنگاه‌ها به سازمان‌های محیط خود که منابع مهم مورد نیاز برای عملیات آن‌ها را کنترل می‌کنند و گاهی کنترل ضعیفی بر روی آن دارند واکنش نشان می‌دهند و به آن‌ها وابسته هستند. پایه نظریه وابستگی منابع بر اساس این فرض استوار است که وابستگی به محیط خارجی جهت تأمین منابع حیاتی، بر اقدامات سازمانی تأثیر می‌گذارد و لذا چنین اقدامات سازمانی را می‌توان با توجه به وضعیت وابستگی خاص موجود توضیح داد. و فرض دیگر این است که هر کسی که منابع را کنترل نماید دارای قدرت روی سازمان‌هایی خواهد بود که به این منابع نیاز دارند. بدست آوردن منابع، وابستگی به سایر سازمان‌ها را به حداقل می‌رساند و وابستگی سایر سازمان‌ها را به خود حداکثر می‌کند. به عبارتی شرکت‌ها باید به طور فعالانه منابع را کنترل کنند تا از این طریق بتوانند به اثربخشی سازمانی دست پیدا کنند بنابراین بر اساس نتایج فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود که حاکمیت بایستی بر کمک به شرکت‌ها در توسعه موفق راهبردهای کسب و کار جهت مقابله با عدم قطعیت محیطی و دسترسی به سرمایه خارجی و شبکه‌های دانش متمرکز باشد و در کنار آنها اقداماتی مانند ادغام و

مالکیت، سرمایه‌گذاری مشترک، تغییرات در هیات مدیره، اقدامات سیاسی و غیره، استراتژی‌های موثری برای مدیریت فعالیت‌های مربوط به ریسک مدیریت که همسو با اهداف راهبردی شرکت است انجام شود.

ضمناً بر اساس نتایج فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود که ارتباط بین اعضای مثلث حاکمیت شرکتی (کمیته حسابرسی، مدیران ارشد، حسابرسان مستقل) تقویت شود. متأسفانه در اکثر شرکت‌های بورسی، کمیته‌های حسابرسی به صورت فرمالیته و رفع تکلیفی انجام می‌شود و این عمل موجب می‌شود که اعضای مثلث حاکمیت شرکتی نتوانند دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را در چارچوب اهداف مشترک سازمانی (تئوری ذینفعان) تأمین کنند و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بهبود نمی‌یابد. پیشنهاد می‌شود که ارتباط بین اعضای کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی با حسابرسان مستقل بیش از پیش تقویت شود و نقاط ضعف کنترل‌های داخلی از این طریق به نحو بهتری شناسایی شده و در جهت رفع آنها توسط مدیریت ارشد اقدام موثرتری به‌عمل آید.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. احمدی، محمد رمضان؛ محمدحسین قلمبر و سید صابر درسه (۱۳۹۸) بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۱)، صص ۱۲۳-۹۳
۲. الهائی سحر، مهدی و هدی اسکندر، (۱۳۹۶)، اثر کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر انواع عدم کارایی سرمایه‌گذاری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۱۲۰-۹۵
۳. ایمانی خوشخو، امید؛ ابوالفضل امینیان؛ ابراهیم محسنی و اصغر آقاجانپور، (۱۳۹۱)، مدیریت ریسک بنگاه راهی برای حل بحران‌های مالی، همایش منطقه‌ای نقش مدیریت و حسابداری در تعالی سازمان‌ها و حل بحران‌های مالی، چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، https://www.civilica.com/Paper-RMAOEFC01-RMAOEFC01_092.html
۴. پورزمانی، زهرا و فرناز منصوری، (۱۳۹۴)، تأثیر کیفیت افشاء، محافظه کاری و رابطه متقابل آنها بر هزینه سرمایه سهام عادی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۹۶-۷۹
۵. پورسعید، عباس و رحمت اله محمدی پور (۱۳۹۸)، امکان سنجی استقرار نظام حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در دانشگاه آزاد اسلامی کشور، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۲۵۵-۲۲۹
۶. تاروردی، یداله و زهرا دامچی جلودار، (۱۳۹۱) رابطه مدیریت ریسک و عملکرد شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۲-۴۳
۷. توانگر حمزه کلایسی، افسانه و مهدی اسکافی اصل، (۱۳۹۷)، ارتباط بین قدرت مدیر عامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۲۰۷-۱۸۷
۸. جعفری نژاد، نوید؛ عباس مقبل باعرض و عادل آذر، (۱۳۹۳) شناسایی و استخراج مولفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمان با استفاده از روش فراترکیب، چشم انداز مدیریت صنعتی، شماره ۱۵، صص ۱۰۷-۸۵
۹. حجازی، الهه، سرمد، زهره و عباس بازرگان (۱۳۹۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ بیست و هفتم)، تهران، انتشارات آگاه
۱۰. حساس یگانه، یحیی و تقی نتایج ملک‌شاه، غلامحسین (۱۳۸۵)، رابطه گزارش کنترل‌های داخلی با تصمیم‌گیری استفاده کنندگان، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۴، صص ۴۴-۱.

۱۱. حساس یگانه، یحیی؛ اسحاق بهشور و مسعود شکری کیانی، (۱۳۹۷)، رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ موثر مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۳۰-۱
۱۲. حسینی، سید عبدالرضا؛ سیدمحمدحسین حسینی، سیدمهدی سیدمطهری، (۱۳۹۳)، رابطه استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت‌های فعال صنایع غذایی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۶۰-۴۵
۱۳. دارابی، رؤیا و اکرم کریمی، (۱۳۸۹)، تأثیر نرخ رشد دارایی‌های ثابت بر بازده سهام، فصل‌نامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۷۰-۱۴۱
۱۴. دیانتي، زهرا (۱۳۹۶)، روش تحقیق در حسابداری: راهنمای عملی برای نگارش پایان‌نامه و مقاله، عدالت نوین
۱۵. دیکنسون، آنگوس، (۱۳۹۲) رابطه مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی-متناقض یا مکمل، ترجمه مرتضی اسدی و نیلوفر اصغری، مجله حسابرس، شماره ۶۵
۱۶. رجبی، امیرعباس (۱۳۸۷)، بقاء در عصر (شرایط) عدم پیوستگی، راهبرد، سال اول، شماره دوم، زمستان، ۱۳۸۷، صص ۸۰-۵۹
۱۷. رضایی، غلامرضا؛ مصطفی کاظم نژاد؛ رامین زراعت گری و امین بلوری، (۱۳۹۴)، ارزیابی نظام کنترل‌های داخلی مؤسسات غیرانتفاعی بر اساس چارچوب کوزو: مطالعه موردی بیمارستان‌های دولتی شیراز، فصل‌نامه حسابداری سلامت، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۴۱-۲۶
۱۸. رضوی عراقی، سید محمد رضا؛ جهان‌شاد، آریتا؛ مستوفی، امیر (۱۳۹۷)، تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۶۷-۱۴۳
۱۹. زنگ‌زن مقدم، رقیه و زهرا لشگری، (۱۳۹۷)، تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام بر تصمیمات سرمایه‌گذاری با تأکید بر کیفیت گزارشگری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۴۰، صص ۴۶-۲۱
۲۰. صراف، فاطمه، مریم‌السادات سید صالحیان، حسین حرآبادی فراهانی و سهیل محمدحسن‌زاده، (۱۳۹۴)، مقایسه چارچوب‌های یکپارچه کوزو-کنترل داخلی سال ۲۰۱۳ و مدیریت ریسک سازمانی سال ۲۰۰۴، دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۴۳،
۲۱. عبدی، مصطفی؛ ثنائی محمدی، محمدحسین؛ کاظمی علوم، مهدی؛ حیدری، یونس (۱۳۹۸)، اثربخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی: دیدگاه نظریه نمایندگی، دانش حسابرسی، سال ۱۹، شماره ۷۴، صص ۲۳۶-۲۰۹
۲۲. علوی طبری، سید حسین و منا پارسایی (۱۳۹۸)، رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۸-۴۳
۲۳. غلام‌رضائی، محسن و منصور مافی، (۱۳۹۳)، نقش تجزیه و تحلیل استراتژیک و ریسک تجاری در حسابرسی مالی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره نهم، ۶۷-۵۳
۲۴. فخاری، حسین و یاسر رضائی پیتة نوئی، (۱۳۹۶) تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت، مجله دانش حسابداری، دوره هشتم، شماره ۳، پیاپی ۳۰، ۱۱۲-۸۱
۲۵. فخاری، حسین، حسین رجب دری و امیررضا خانی‌دلان، (۱۳۹۷)، مطالعه نقش ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با ارزیابی ریسک گزارشگری متقلبانة شرکت، فصل‌نامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۲)۲۵، ۲۳۳-۲۵۰
۲۶. فرهی، هادی (۱۳۸۹) رابطه استفاده از مدیریت ریسک بنگاه با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گرایش مدیریت بیمه، دانشگاه علامه طباطبائی
۲۷. فیروزعلیزاده، اکرم؛ رضایی، فرزین (۱۳۹۵)، رابطه رقابت در بازار محصول و مدیریت ریسک یکپارچه مبتنی بر گزارشگری مالی بر تصمیمات مدیریت، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۵، شماره ۹، صص ۲۰۱-۱۷۳
۲۸. قادری، کاهو؛ صلاح الدین قادری و سامان قادری، (۱۳۹۷)، تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۷۲-۲۴۳

۲۹. قنبریان، رضا (۱۳۹۳) چارچوب مدیریت ریسک بنگاه، مجله حسابدار، مرداد ۱۳۹۳
۳۰. کثیری، حسین (۱۳۸۴)، مدیریت ریسک واحد اقتصادی-چارچوب یکپارچه (ERM)، نشریه حسابدار رسمی، شماره ۴۸- صص ۸۷-۱۰۲
۳۱. لاری دشت‌بیاض، محمود؛ مصطفی قناد و حسین فکور، (۱۳۹۷)، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۴۱-۲۱۵
۳۲. مشایخی، بیتا و ساسان مهرانی، (۱۳۹۵) حسابرسی داخلی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم،
۳۳. معمار و رشادت‌جو (۱۳۹۳) شناسایی عوامل تعیین‌کننده مدیریت ریسک و سنجش تأثیر آن بر مدیریت استراتژیک در شرکت سهامی پتروشیمی تندگوین، فصلنامه مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۴، صص ۸۲-۷
۳۴. منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی‌عام) برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار <http://rdis.ir/GuidelinesDetail.asp?AppBLID=240>
۳۵. مهرانی، ساسان؛ آخوندی، امید (۱۳۹۷) تفکر سیستمی و کاربردهای آن در مدیریت ریسک واحد تجاری مطابق با کوزو، پژوهش حسابداری، سال هشتم، شمار ۲۸، صص ۶۸-۵۳
۳۶. موسوی شیر، سید محمود؛ قدران، احسان؛ حسینی، هاجرالسادات (۱۳۹۸) نقش چرخش حسابرسان داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی، دانش حسابرسی، سال ۱۹، شماره ۷۴، صص ۹۸-۷۷
۳۷. موسوی شیر، محمود؛ توکل نیا، اسماعیل؛ شاکری، ماهرخ (۱۳۹۲) مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۷، صص ۴۸-۲۹
۳۸. موسوی شیر، محمود؛ حمید سلیمانی؛ یوسف مومنی و حجت سلیمانی، (۱۳۹۴)، رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و نوسان پذیری بازده سهام، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵ (۱۸)، صص ۱۴۴-۱۳۱
۳۹. نادری، مریم و زهره حاجیها (۱۳۹۷)، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابداری با ضعف‌های بااهمیت کنترل داخلی، فصلنامه حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۱۸-۹۵
۴۰. نامدار، ندا (۱۳۹۴) تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه میان مدیریت ریسک بنگاه و عملکرد شرکت‌ها بر طبق الگوی کارت امتیازی متوازن و روش تحلیل پوششی داده‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تاکستان
۴۱. نمازی، محمد (۱۳۸۴)، بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲، پیاپی
۴۲. نیکومرام، هاشم و حیدر محمدزاده سلاطه، (۱۳۸۹)، رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۱۰-۱۸۷
۴۳. هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳)، مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل (چاپ ششم)، تهران، انتشارات سازمان سمت
۴۴. وکیلی‌فرد، حمیدرضا و سامان محمدی، (۱۳۹۴)، تغییر حسابرس و نوع گزارش حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷ (۲۵)، صص ۴۸-۳۳

ب- منابع خارجی:

1. Adams, A., S. Fries and R. Simnett. 2011. The journey towards integrative reporting. Accountant's Digest (558): 1-40.
2. Baxter, R., J. C. Bedard, R. Hoitash and A. Yezegel. 2013. Enterprise risk management program quality: Determinants, value relevance and the financial crisis. Contemporary Accounting Research 30 (4): 1264-1295.
3. Beasley, M. Branson, B., and B. Hancock. 2011. Report on the current state of enterprise risk oversight: 3rd edition. AICPA.
4. Beasley, M. Branson, B., and B. Hancock. 2014. Report on the current state of enterprise risk oversight: Opportunities to strengthen integration with strategy. Fifth edition. AICPA.
5. Bell, T. B., M. E. Peecher, and I. Solomon. 2005. The 21st Century Public Company Audit.

- Conceptual Elements of KPMG's Global Audit Methodology. Montvale, NJ: KPMG LLP.
6. Bell, T., Marrs, F., Solomon, I., and Thomas, H. 1997. Auditing Organizations Through a Strategic-Systems Lens. KPMG Peat Marwick LLP, New York.
7. Boyd, B. 1990. Corporate linkages and organizational environment: A test of the resource dependence model. *Strategic Management Journal* 11: 419-430.
8. Cohen, Jeffrey and Krishnamoorthy G. and Wright, A (2017). Enterprise Risk Management and the Financial Reporting Process: The Experiences of Audit Committee Members, CFOs, and External Auditors. *Contemporary Accounting Research* 34 2, Summer 2017,: 1178-1209
9. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO). 2013. Internal control integrated framework. COSO.
10. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO). 2004. Enterprise risk management—Integrated framework. COSO.
11. Dickinson, Gerry, (2001). Enterprise Risk Management: Its Origins and Conceptual Foundation. *The Geneva Papers on Risk and Insurance*, 26.
12. Fama, E. and M. Jensen. 1983. Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics* 26: 301-325.
13. Knechel, W. R., G. Krishnan, M. Pevzner, L. Shefchik and U. Velury. 2013. Audit quality: Insights from the academic literature. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* (Supplement): 45-97.
14. Liebenberg, A. P., & Hoyt, R. E. 2003. The determinants of enterprise risk management: Evidence from the appointment of chief risk officers. *Risk Management and Insurance Review*, 6 (1), 37-52.
15. Marsh and RIMS. 2014. Excellence in Risk Management XI. Risk Management and Organizational Alignment: A Strategic Focus. New York: Marsh and Risk and Insurance Management Society.
16. Mikes, A. 2011. From counting risks to making risk count: Boundary work in risk management. *Accounting, Organizations and Society* 36 (4-5): 226-245.
17. Mikes, A. and R. Kaplan. 2012. Managing risks: Towards a contingency theory of enterprise risk management. Working paper, Harvard Business School.
18. Noblit, G.W., Hare, R.D., (1988). Meta- Ethnography: Synthesizing qualitative studies. Newbury Park, CA: Stage of Accounting and Auditing Review, 25(1), 159-179.
19. Pfeffer, J. and G. Salancik. 1978. *The External Control of Organizations: A Resource Dependence Perspective*. Harper & Row, New York.
20. Shleifer, A. and R. W. Vishney 1997. A survey of corporate governance. *Journal of Finance* 52 (2): 737-83.
21. The Economist. 2010. Beancounters in a bind. <http://www.economist.com/node/15721559> (March 18).
22. Valukas, A.R. 2010. Lehman Brothers Holdings Inc. Chapter 11 Proceedings Examiner Report. <http://jenner.com/lehman/>.
23. Viscelli, T. 2013. The ERM process. Evidence from interviews of ERM champions. Unpublished dissertation. Kennesaw State University.